

از اعلی حضرت سلطان و از امنای دولت عثمانیه دیده است
 و در همان روزنامهها نوشته اند که پیرس ناپلیان نیز حجاج
 در روزنامه سابق نوشته شده است وارد اسپهان
 شده بود و از جانب سلطان و امنای دولت عثمانیه بحال
 محبت نسبت باو عمل آمده است

از فرار روزنامه شهریارس نوشته اند که موافق حساب
 آخر که در آنجا کرده اند جمعیت آنجا در کرد و پنجاه و دو نفر
 دولت و هفت و دو نفر است حساب اظهار کرده اند
 شهرت باین تفصیل نوشته اند اطبای اول یک هزار و سیصد
 پنجاه و یک نفر اطبای دوم صد و هفت و چهار نفر و اساتذ
 چهار صد و شانزده نفر درین صورت موافق این حساب در
 هفتصد و هفتاد و نه نفر خلق یک نفر طبیب اول است و در
 شهرار و چهار صد و بیست و دو نفر خلق یک نفر طبیب دوم
 و در هر دو هزار و پانصد و سی و یک نفر خلق یک نفر در

از جمله غرایب که در ناخوشی و با ملاحظه کرده اند و شنیده
 که در استان مانند تیرشاه کشیده میشود بلکه بعضی اوقات
 بروی زمین جسمی افتد درین روز نایج ازین رویشانها
 بگوچهای شده اند افتاده بود و لکن ناخوشی و باوران شهر
 بسیار کم شده است

در فصل چهار سال رودخانه و سستوله که از وارس میگذرد
 بعد از واد شدن پنج آب اوچان بالا آمده بود که چند کوچ
 آنجا را فرو گرفته و بزراب برده بود
 در یکی از روزنامههای انجلیس نوشته اند که بنادارند درین وقت
 باری هزار نفر قسطنطنیه را بیاورند

در روزنامه هندوستان نوشته اند که اهل چین
 پیوسته زیاد از آن مملکت بملکت کلی فارسیا میروند و
 چونکه مردمان کارکن اند در آن ولایت خوب گذران میکنند
 و گشتی که در میان شان مشغولند نظر از اهل چین بود بشر
 سنت و نشوونو که در مملکت کلی فارسیا است رسیده بودند

ایضا در روزنامه هندوستان نوشته اند که قیمت طلا
 که در سال گذشته از استرالیا بیرون فرستاده اند
 بیست ملیان پوند است که تخمیناً هشتاد و هشت کیلوگرم است
 ایران میباشد

جماعتی از دولتمندان اهل کلیت بنادارند دریاچه که در کنار
 مملکت اند است آتش بیرون میکنند که جای زرع است
 و بند ساخته اند که آب دریا داخل آنجا نشود و خرج و
 طولی که آب آنجا بیرون بکشند حساب کرده اند که اگر
 بتوانند زمین دریاچه را بخرند خشک نمایند و زمین نزدیک
 به چهار هزار تخم افکن است

موافق حساب جمع خرج مالیات مملکت انگلیس که سه
 سه ماه چاپ میزند مالیات این مملکت نسبت به سال
 پیش ازین نزدیک بیست و یکم زیادتر شده است

در شهر سنت سبتیان در مملکت اسپانیول در روز دوازده
 ماه رجب زلزله سخت شده بود و لکن خانه در آنجا نیفتاده
 بود و در کل سمت شمال مملکت اسپانیول این زلزله تاز
 کرده بود و این زلزله دوم است که درین ششماه در شهر
 سبتیان و اطراف مملکت اسپانیول واقع شده است

۱۱۳۳

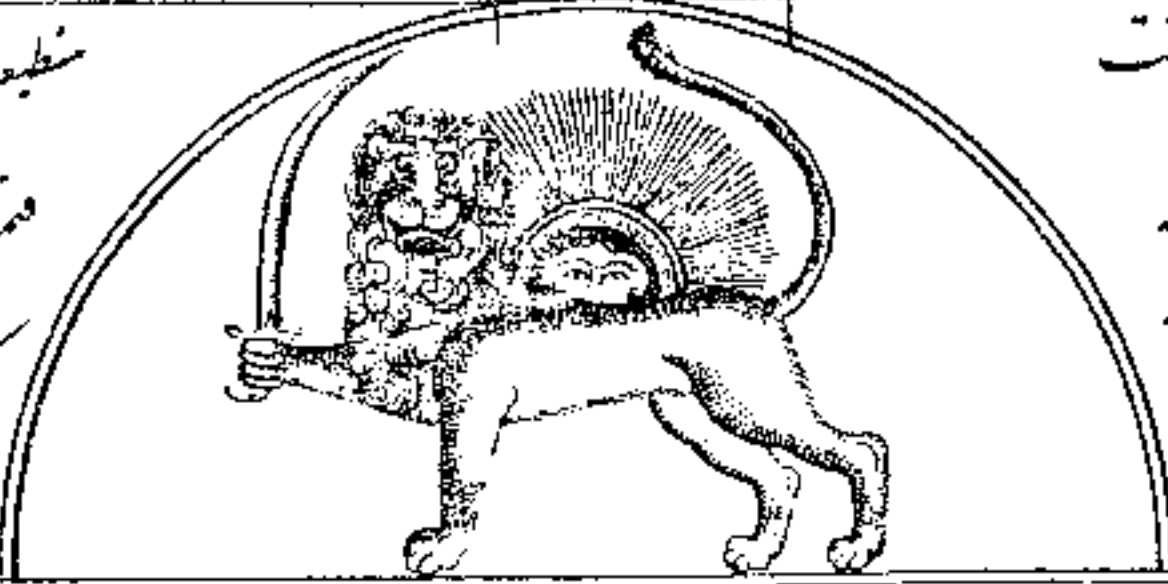
روزنامه قایم الفایده صباح یوم شنبه پنجم ماه رمضان المبارک مطابق سال بائیس ۱۲۷۰

روز صد و هفتاد و هفت

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهی

هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر چهار سطر یک هزار

بیشتر با سطر پنج هزار

اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیست و یکم انجمن عالی حضرت پادشاهی از عمارت نیاوران بعزم زیارت جناب امامزاده قاسم سوار شدند و بعد از زیارت روضه شریفه که در تفرج دماوند آن اطراف نزدیک غروب آفتاب بجهت نیاوران معاودت فرمودند

جناب موسیو انجمن شریفه در وقت بیست و یکم روز سه شنبه شانزدهم ماه رمضان المبارک که وارد دارالخلافه الباهره می شد اولیای دولت علیه باقتضای دوستی و موافقت دولتین علیتین لوازم توقیر و احترام جناب معزی الیه راجع آوردند مقربو انجمن خانان معزی و علیخان سرسبز قراقرز و عالیجناب محمدخان کلانسر و تکلیف یوزباشی با پنجاه نفر غلام و اسبان سواری و یک بار اقامتی طلا از جانب شیخو ابوالحسن همایون و عالیجناب محمدتقیخان سرباز سرسبز از جانب جناب جلالت آقا صدر اعظم اعظم عالیجناب میرزا رفیع خان نایب وزارت امور خارجه از جانب جناب وزیر دول خارجه تا طرقت که یک فرسخی شهر است استقبال

رفته و در آنجا که چادر زده و شیرینی و طرومات مهیا نموده بودند جناب شایسته را لیه را ملاقات نمودند و از آنجا با اتفاق با احترام لازم وارد دارالخلافه گردیده در روز پنجدهم ماه مزبور با جناب پریش دو الغار و کی وزیر محاسن انجمن و صاحب سفارتخانه در حالتیکه از هفتم لازمات پزیرانی و احترام عهدی فراموش آمده بود شرفیاب حضور همایون انجمن پادشاهی گردیده مورد اعزاز و لوازمات ملوکانه شد و جناب پریش دو الغار و کی بعد از عرض احضار خود و منضمیت جناب شایسته و فرزند حضور با سر النور خردانی نامه عالیحضرت امیرالمؤمنین تقدیم پیشگاه حضور عالیحضرت شایسته داشت و از آنجا بمنزل جناب جلالت آقا صدر اعظم آمده جناب معظم الدوله کمال اکرام را باقتضای موافقت دولتین از ایشان بعلو طلا از جانب شیخو ابوالحسن همایون و عالیجناب محمدتقیخان سرباز سرسبز از جانب جناب جلالت آقا صدر اعظم اعظم عالیجناب میرزا رفیع خان نایب وزارت امور خارجه از جانب جناب وزیر دول خارجه تا طرقت که یک فرسخی شهر است استقبال

چون درین مهله لیلی اجیا در پیش بود و روز نهم و
بیت و یکم و بیت و سیم و سیم و سیم و سیم و سیم و سیم
و طاعت و عبادت مشغول بودند و کسی اقدام بصل و کاری
نمود و در الطباع این روزها معاینه درین سه روزه کار کرده
لهذا روزنامهها که در هر مهله روز پنجشنبه از دارالطباع
آید تقسیم می شد درین مهله در روز شنبه تقسیم کرد

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان
علیچا چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان در انتظام امر
کمال مراقبت و استقامت را دارد و بسبب آنکه از حسن و
خودگی محصولات آنجا رسیده است و محصولات شتویرا
ضایع کرده کمال سفارش و تاکید را بهر یک از ضابطان
که خدایان و رعایای آنها باید که انکار صیغی کاری تغافل
که بلا نشاند از صیغی کاری نفعی عاید آنها شود که بتوانند
از عمده زراعت برآیند و از قراریکه نوشته بودند خود
مشاریه برای سرکشی آفات بلوکات و قرار صیغی در
جماد دوم مبارک رمضان بلوکات سنت

حکومت عیدی که از جانب سنی اجواب اعلی حضرت پادشاه
باشخار عالیجاه مشارالیه مرحمت شده بود عالیجاه پیرزاد
رسانید و خود عالیجاه نایب الحکومه با جمعی از صاحب منصبان
و ضابطان و عمال و اعیان بنجایج شهر با استقبال رفتند
لازمه توقیر و احترام را بعمل آورده بود و خلعت عا یون
زیب برود و شش اعتبار و افتخار خود ساخته بشهر
کرده بود

از قراریکه نوشته بودند چند نفر از سر بازاری که فرار کرده
چرقویه بسرقت برده بودند عالیجاه چراغعلی خان بر این
کیفیت اطلاع یافته در حاشاعت آدم خود را روانه محال
چرقویه نموده بود که رفته سارقین را پیدا نموده حکم بیاورد
از قراریکه معلوم شد بود سارقین منور بر مهلت تقریباً
همه را گرفته نزد عالیجاه مشارالیه آورده بود بعد از تمسک
تا بحال محال یکصد تومان از اموال مسروق استرداد کرده
و سارقین را حبس نموده است که تمامه اموال را نیز از آنها
استرداد و بصاحبان بازگرداند

دیگر از قراریکه نوشته بودند شخص سیدی از راه فارس
عبور می کرده است و در حوالی منزل مقصود بیک قاطرکی
از او مفقود شد مشارالیه باصفهان آمده سر بازاری
عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه حالی کرده بود عالیجاه
مشارالیه اسم آدم با خود و دستاورد قاطر او را
پیدا کرده آورده بصاحبش رد کرده قبض گرفته بود
دیگر نوشته بودند که چند نفر از سر بازاری که فرار کرده
و از جانب اولیای دولت حکم شده بود که عالیجاه مشارالیه
انهار جمع آوری نماید این اوقات آنها را بهر جا که فرار
کرده بودند جمع آوری کرده بدست عالیجاه مصطفی قلیخان
سربسته سپرده است

دیگر نوشته بودند که عالیجاه نایب الحکومه در آبادی
مادیهای بلوکات و توابع و قرار خالصه مراقبت و استقامت
دارد که رعایا در نهایت امیدواری و خاطر جمعی مشغول
زراعت خود باشند و بخصوصه در آبادی مادی نیز از جز

۱۱۳۵

و مسوریت هزار جریب که محل تفریح و زود و خاص و عام است
کمال استقامت را بعل آورده یک نفر آدمی بحد و صده کمال
که مراقب تنه مادی آنجا و آبادی هزار جریب شود که
نزمت و صفای بسیارند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب
شاهزاده و الا تبار موند الدوله طلاس میرزا حکمران
ملکت فارس که بفرکر میرات لار و نظم بنا در رفته
بعد از فتح بنا در عباسی و عمره انتظامی کامل در امور ات آنجا
داده و ساخلو و مستحفظ و تحکمی بهر یک از سرحدات
قلعه جات که لازم بوده گذاشته اند و مواجب و سبک
انهار امقرره داشته اند که با آنها سبده مراقب حفظ
حراست باشند

۱۱۳۶

دیگر نوشته اند که جدا از آنکه نواب شاهزاده موند الدوله
اند بند عباس مرحت بر در بودند شیخ صید این سلم که
از اشرا مشایخ اعراب است غزیت شیخ و تصرف
قلعه بند عباس را کرده چند کشتی جنگی آورده بودند
تو چشم سمیت قلعه مزبوره انداخته بود ارتشون و
که در قلعه مزبوره بودند مطلع شده چند توپ خالی کرده
و کل کشتی آنها را سگسته و آنها معلوب و سکو با مرحت کرده
بودند

دیگر از قراریکه نوشته بودند مشایخ اعراب مال زیاد
از تجارت به این دولت برده در قشم و هرگز بخلاف
حساب مخرج کرده اند البته اولیای دولت علیه در صدد
رفع این عمل خواهند بر آمد

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده موند الدوله که از سفر
بند عباس مرحت کرده بودند در نوزدهم ماه شعبان
وارد شهر شیراز گردیده اند و طاعت عیدیه که از جانب
سنی انجوائب علیحضرت پادشاهی بافتخار نواب سعیدی
مرحت شده بود در نوزدهم ماه نوزدهم از لوازم
و استقبال و احترام زیب پرودوش اعتبار و افتخار
خود ساخته بتقدیم شیلک و سایر طرزات تهنیت و
شادمانی پرداخته اند

دیگر نوشته بودند که نواب معزنی الیه و انتظام امر
آن ملکت کمال مراقبت و استقامت را دارند و مسواره
اوقات خود را صرف رفع اشرا آن صفحات مینمایند
از جمله نوشته بودند که رئیس خسرو نامی جنیدی بود که
بنای خود سری گذاشته مصدر قتل چند نفر شده بود
و در عهد شیخ حاکمی با بجا آورده خدشکاری میکند
درین اوقات نواب شاهزاده او را گرفته بسرای اعمال
خودش رسانده اند

عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند فوج
سید خوری ابو الجهمی عالیجاه و لیجان سرمتب نواب
مستطاب شاهزاده و الا تبار هشام الدوله خانلر میرزا
حکمران عربستان و لرستان و پروجر و نجساری
ما مور بشو شتر کرده اند و فوج مزبور در دویم ماه گذشته
شعبان روانه محل امور گردیده اند
دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده هشام الدوله عالیجاه
میرزا ابو الفضل و شیخ فارس خانی را با نظام امر محترمه

و آن اطراف و آن سر باز امرانی روانه داشته و جناب
شیخ ابراهیم مجتهد و دو نفر دیگر از شیخ انبیا را نیز
لوازم التفات در باره آنها که بکصد و بچاه تومان ستمی
با آنها داده اند سر ایشار الیهار و آن ساخته اند و
عالیجناب میرزا ابوالفضل خان سر باز امرانی را در بنام و سخنی
محمده دیده طومار بهر سرنگان آنها گرفته نیز ذواب معنی

دیگر نوشته بودند که بعد از آنکه کنسج قانون های یونی
امیر الامراء العظام سردار رسیده بود تحذیرات آنرا
نوش زده خاص و عام کرده جمیع صنوف و طبقات
آن صفحات قدغن کرده بود که از انفرار رفتار نمایند
و داده بود دچار کشیده بودند که هر کس کلاه خود را باند
که در آن کتابچه مقرر است کوتاه نماید و کلاه بلند بکند

فستاده است

احبار و اول خارجه

و اسم چنین بیت و شت نفر بوج مستحفظ که من القدم
و حراست آنجا مشغول بوده اند عالیجناب ایشار الیهان
آنها را دیده احاد آنها را نفری دوازده تومان و یک نفر
سردسته آنها را بیت و چهار تومان واجب معین نمود
و برای فراولی کوت محمده و خود محمده و دیگره غایب
آنجا که است است و در امورات آن صفحات نوشته
که مشار الیه اتمام کامل معمول است

درین معنی از اول خارجه اجباری که بروز نامه
داشته باشد نبود مگر آنچه در اول است نوشته شود

احوال استصفره

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند خلعت عیدی
امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و
که با آنجا رسیده بود لازم استقبال و توقیر و احترام از
حایون بعل او و در شب جمعیت و سیم شعبان در
باغ آقا که در خارج شهر است خلعت و شاهی را این
دو شمشیر ساخته اند که در ایرتقدم سازند

از فراری که در روزنامه لندن نوشته اند در تاریخ
ماه رجب قیمت اجناس و ماکولات شهر لندن از متغیر
تومان چهار پونز که بیت و چهار پونز ایران باشد
نوزده شاهی ملاحظه

کرمان

تومان وسط چهار پونز هفده شاهی
گندم یکپونز و اربوزن شش عبا ده تومان و شش
گندم وسط یکپونز و شش تومان و شش
جو یکپونز و پنج تومان و شش هزار
باقلا یکپونز و شش تومان و دو هزار
شش یکپونز و شش تومان و شش هزار
گندم یکپونز و شش تومان و شش هزار

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند
در توپخانه و میدان ارک مشغول است و با کمال نظم
قاعده حرکت می نمایند و از احدی امریکه دلیل بر بی نظمی
ناشی در صدد در می شود

گوسفند گوسفند هر پونز
گوسفند بزه هر پونز شش هزار و دو
گوسفند کران هر پونز چهار هزار و یک
قد ۱۱۲ پونز که یک پونز و شش چهار تومان و شش

۱۱۳۷

شکر ۱۱۲ پوند که شازده من دینی دیگر چهار تومان له

از قرار روزنامه انگلیس که تباریح در جیب چاپ زده شده است

عباس پاشا حکم آن مملکت مصر تخریبی که از جماعت تجار و دولتمندان

انگلیس که صاحبان کشتی پهاشند که از انگلیس مصر تردد و بنیابند

قرض گرفته بود درین اوقات رونموده است و تمامه این تخریب

که مانده بود صد و شصت و پنج پوند پول انگلیس بود که تخمیناً صد

نود و شش هزار تومان پول ایران باشد و سبب قرض کردن

تخواه مزبور این بود که چند و پیش از این دولت عثمانیه از

پاشای مزبور تخریبی خواسته بود و چون منظور پاشا این بود

که در دستاوردن این تخواه معطلی حاصل نشود تخواه را از

اشخاص مزبور قرض کرده بود و با سهولت فرستاده بود

حال تخواه را سرانجام نموده و بصاحبانش رد کرده است

در سمت جنوب بنگال هندوستان بخانه است در میان

هند و مشهور و اسم آن جگر نات است و در میان این تخریب

بسی بزرگ است که در روی عراده گذاشته اند و سالی یک مرتبه

این بت را بیرون می آورند و بگرد بخانه میگردانند و خلیجی

از هند و با بریارت او می آیند و بعضی درین عبور عراده بت مزبور

خود را بر چرخ عراده او انداخته جان خود را فدا می کنند و

انها شکسته و خورد می شود دولت انگلیس چند سال است که

سعی بسیار کرده اند که این قاعده را موقوف نمایند و نشد

درین روزنامه نوشته اند که عراده بت مزبور که از چوب بود

تس گرفته و بالمره سوخته است

۱۱۳۸

اطراف آن مملکت از بر قسم غله وارد و سایر ماکولات آن

پر بود که چای ریختن غله استند و بسیاری از غله بیرون

مانده بود و کشتی در آنجا کم بود که آذوقه و غله مزبور را بار کردند

بفرنگستان ببرند و سبب زیاد شدن غله در شهرهای اطراف

مملکت نیکی دنیای شمالی این است که مملکت مزبور جای بسیار

حاصل آورد و غله خیر است و مردم آنجا چون شنیده بودند

که غله و سایر آذوقه در فرنگستان ترقی دارد و قیمت آن

غله و آذوقه خودشان را بکنار و ریافتن داده بودند و

از آنها بفرنگستان روانه شده است و لکن از قراریکه

انقدر کشتی نبود که همه آنها را بار کرده بفرنگستان ببرند و

این آذوقه فراوان بفرنگستان برسد البته تفاوت کلی در

قیمت اجناس فرنگستان خواهد کرد

در مملکت نیکی دنیای شمالی بسیاری از رودخانه های عظیم

از سر تا سر آن مملکت میگذرد و در روی رودخانه های مزبور

کشتیهای تجاری تیر و بره انداخته اند هم سخته تر و وسیع

و هم سخته بارهای تجاری چون که صاحبان کشتیهای مزبور

بحدیکه بگر کشتیهای خود را بسیار تند میرانند بسیار اتفاق

می افتد که در سرعت حرکت کشتی و یک بخارش می ترکند

مردمی که در او نشسته اند تلف می شوند از جمله در روزنامه

انولایت نوشته اند که از کشتیهای مزبور در یک منفذ

پنجاه نفر تلف شده اند سبب ترکیب چرخ بخاک کشتیها

سبب تپش که فن و غرق شدن کشتی

در مملکت فرانسه مانند اکثر ممالک فرنگستان قاعده است

که هر کس مشغول تازه اختراع بکند فرمان میدهد که بی او

او کسی دیگر در آن صنعت مداخله کند شخصی درین روزنامه

۱۰	سر ایر دو تومان	فرانس ساختن قدر از که اختراع کرده است و فرنگ
۱۰	رشته المعارف دو تومان	بضمون مزبور از دیوان گرفته است و قدی که از کد و مسان
۱۰	معراج المعاده یک تومان	مانند قدت که از شکر ساخته میشود
۱۰	حدیقه اشیه هشت هزار	نواب غلام محمد خان و پسرش درین روزها از هندوستان
۲	شرح کبیر دو جلد شش تومان	بلندن واروشده اند و نواب مزبور از اولاد پیر صاحب است
۲	شرح المعه یک جلد سه تومان	کو یا سلسله مزبور تا سه شصت و شش مسمی از دولت انگلیس است
۱۰	شرح الزیاره دو تومان	حال نواب مزبور بولایت انگلیس آمده است که بلکه طور
۱۰	توضیح پانزده هزار	ناید که این مسمی مدامی بشود
۱۰	فردوسی چهار تومان و نیم	پرنس و در و انویل پسر لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه
۱۰	تفسیر صافی یک جلد دو تومان	از پادشاه اسپانیول خواست کرده است که اذن بد
۱۰	قوانین یک جلد دو تومان	خودش بازن و سایر عیالش در شهر غرناطه سکنی بکنند
۲	قاموس سه تومان	پادشاه اسپانیول آنجا را اذن نداده است و لکن اذن
۲	مجمع البحرین سه تومان	داده است که در شهر سولن بنشینند
۱۰	شخصه الزائر یک تومان	و در مملکت انگلیس معدن طلا تازه بکار انداخته اند سنگ سفید
۱۰	قرآن ارزان سه هزار	خورد می کنند و طلا از او بیرون می آورند و چرخ و اسباب
۲	مجمع البیان شش تومان	بجهت خورد کردن سنگ مزبور ساخته اند و این سنگ سفید
۲	جوهری شش هزار	فم سنگ چاقی است و از فم سنگ عقیق نیز مت از سه
۱۰	رینت المجالس ده ریال	این سنگ شش مثقال طلا بیرون می آید و چرخانی که تا حالا
۲	مسالک شش تومان	ساخته اند و در هر چهار ساعت در جزو این سنگ خورد
۲	مدارک سه تومان	و بجهت آنها که نخواه که اشتد اند نفع دارد
۱۰	تفسیر امام عسکری یک تومان	اعلامات
۱۰	اشکول هفت هزار	کتابهای چاپی دار اختلاف طهران که در کارخانه حاجی
۱۰	تاریخ پیر کبیر دو تومان	عبدالمجید با سبب چی در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع
		شده است از این قرار فروخته میشود
		نظم نظامی بیت و چهار

۱۱۳۹

روزنامه قایم القایه و تناسخ و محاسبه و شوال المکرم مطابق سال باسن سنه ۱۲۷۰

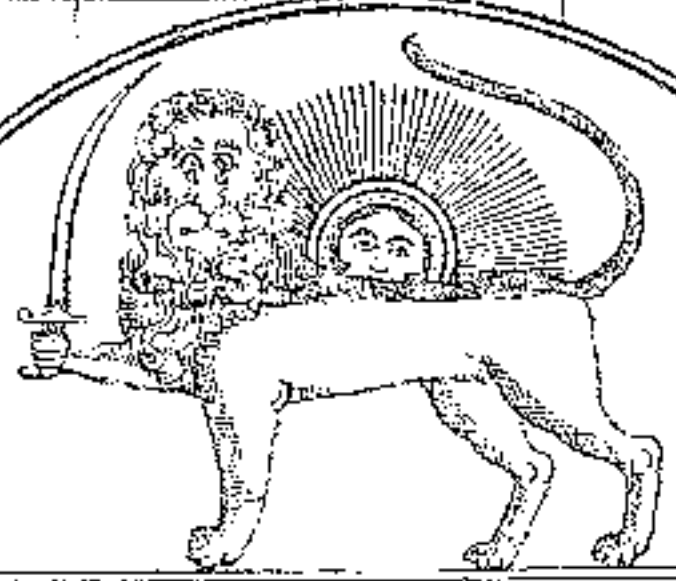
نمره صد و هفتاد و هشت

منطقه دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

یکسره اجاره مطبعه کهنه در حصار
پستخانه پاره پاره



یک نسخه در هر شماره

هر کس که بخواهد در هر شماره

اجاره داران ملک محروم پادشاهی

دار اختلاف طهران

در شب شنبه بیست و هفتم ماه رمضان المبارک
اعلیحضرت پادشاهی بنزل جناب نظام الملک نایب
صدارت عظمی و شخص دویم دولت علیه ایران که در کاشانک
نزدیک میاوران است شریف فرما کرده اند که لوازم
و پای انداز و قربانی بجهت مقدم کالیون بعل آمده و افطار را
در آنجا صرف فرمودند و بوجوه مبارک شاهنشاهی بسیار
گذشته تقدیم خدمات جناب معظم الیه و تکلفات بسیار
بسیار مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده مورد تحسین و
تواضع گردیدند

اعلیحضرت پادشاهی در میاوران شیران باسلام
عام دادند انامی دولت علیه و مقربان حضرت گردون
لبط سینه و خوانین و امرا سرگردان عظام و صاحبان
نظام با اطلاع و نشان شرفیاب حضور مهر ظهور حسروانی
گردیده هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده سلام
اتقا و یافه اجرای شلیک توپ و زنبورک بقاعده
معمول شد و خطیب و حضور مبارک خطبه بنام اعلیحضرت
پادشاهی ادا نموده شرابط مبارک با عید و حضور مبارک
تقدیم گردید

در روز شنبه بیست و هفتم اعلیحضرت پادشاهی بعزم
تفریح از میاوران حوالی عصر سوار شدند و بطرف جلگه شیران
و در آنجا در آن اطراف حرکت فرموده تا نزدیک
غروب آفتاب بتفریح و تماشای آن صفحات مشغول بودند
و نزدیک غروب آفتاب بعبارت مبارک میاوران
مراجعت فرمودند

و رسم در روز عید فطر ایلیان دول محتاج بمقیم دار اختلاف
طهران در میاوران شرفیاب حضور مهر ظهور حسروانی
گردیده و مبارکبادی عید فطر اقام نمودند و از جانب
سنی اسجواب اعلیحضرت پادشاهی هر یک از آنها تقاضای
ملوکانه میندول گردید

حاجی محمد تاجر تبریزی که بر حسب امر اولیای دولت علیه
چند نفر از ارباب صنایع ایرانی است سال که مسعود

دینار بزرگ برای کتاب مصنف شده بود این اوقات
مراحت نموده اند و اشخاص مفید از این قرار اخذ فرموده

مورساز نجار - شکرریز هزاره چیلان ریخته کرد و چون

و با اتفاق حاج مشارالیه در بارهایون پادشاهی

موزه و جناب جلالت آقا اهل اکرم صدر اعظم آنها را

احضار کرده از صنایع آنها تحقیق نمودند و کمال نوازش

در حق آنها نموده همگی آنها را احلت دادند و مقرر شد

که بجای دو دستگاه چرخ دستی کاغذسازی که همراه او

کارخانه ساخته و آنها را برآه بگذارند و بجایگاه

مصلحت گذار بطرز بزرگ نیز نوشتند که دو دستگاه

از همان چرخ کاغذسازی از آنجا خریدار و آنه نماید

و خود حاج مشارالیه از دربارهایون بازندان معاد

نموده که بنای کارخانه شکرریزی و شکرساز را در

بگذارد و بسیار امیدوار هستند که دستگاه شکرریزی

انجا طوری بشود که تا عرض مدت دو سال بقدر کفایت

همگی مالک محروسه دولت علیه شکر سازندگان

بیاید و از خان شکر سازندان در وقتی که بمانند

آمد صاف کرده بودند نمونه از آنجا جناب جلالت

صدر اعظم آوردند بهتر از شکر و در زیر بسیار

درین اوقات عیانی در کاشان از ابریشم بعل آورده

مثل عیانی خوب ابریشمی که بلا سنج عالیجاه محمد ابراهیم

حاکم کاشان سه توبه این عیانی تمام کرده و بدر بار

هایون فرستاده بود بنظر مبارک اعلیحضرت پادشاه

رسیده بسیار حسن و مطبوع افتاده بجهت بلورس مبارک

برداشتند و مقرر فرمودند که با زهم این عیانی سازند
و یکی از آنها را هم با میر الامیر العظام سردار کل حضرت

سابقا اموالی از تجار زنجانی در میان صایعقه و سنقر

کردستان برده بودند عالیجاه محمد رضا بیگ شمش

جناب جلالت آقا صدر اعظم از دربارهایون

حکم اولیای دولت علیه محصل پیدا کردن اموال سرور

بود مشارالیه کمال اهتمام را در خدمات مرجوعه

معمول داشته بعضی از سارقین را بدست آورده

انجا سپرده و اموال سرور قدر ادرا یافت نموده و

بصاحبان آنها و اده قبض رسیدگی دریافت نموده

و بنظر اولیای دولت قاهره رسانده خدمات او بسیار

مقبول و حسن قیام

عاجیه دلاور خان فرستاده نتیجه الامیر العظام سردار

رحمات خان برادر سردار که نزل خان سردار قندهار که

عریضه سنجایی مبارک شاهنشاهی آورده بود در روز

سبب بیت و نهم ماه رمضان المبارک وارد دربار

هایون کردید

سایر ولایات

اور با پیمان از قرار یک در روزنامه از زبان

نوشته بودند نواب مستطاب هزاره و الاتبان نصره

و مقرب انجانان قایم مقام در انتظام امور الولا

انجام خدمات دیوانی ریاده اهتمام دارند بعضی از حکام

که شایسته و قابلند هستند از قبیل حاکم اردبیل و

اردوبی و قراداغ و شترود تعمیر داده عالیجاه حاجی محمد

۱۱۴۱

قاجار را ب حکومت ارومی و عالیجاه حیدر علیخان شاد لوزا
ب حکومت اردبیل و عالیجاه اسد الله خان قاجار را ب حکومت
قزاق و اراغ منصوب نموده و شتر و درانیر ابو ایجمع عالی
یحیی خان ایلمخانی حاکم بر آنه کرده اند

عربستان

بطوریکه حیوانات سرداده و چرانده و چون اشجار
باغات را هم تجبه سختی و شدت مرستان سرانده بود
رعابای آنجا ازین جهت بسیار شوش و پرتن جانند

چون مباشرین سابق میزان از عمل میزان باقی دار بودند
و افراط و تفریط در عمل آنها شده بود و لهند اوشت کرده در آنجا
نماندند بعد از آمدن آنها مقرب انخافان قائم مقام عالیجاهان
آقا سید اسماعیل تفرشی و حاجی رضای اصفهانی را بر سر
میزان گذاشته است که مشغول خدمت میزان باشند

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند حاجی جابر که
سابقا در محله بود و نواب مستطاب پیرزاده والا با نام
خانم میرزا حکمران عربستان و لرستان و بر و جرد و
اورا بسبب سوء سلوک و تعدیات که نسبت بکنه آنجا
کرده بود معزول و نیز خود خواسته و نکامد بسته بودند

درین اوقات تجبه قطع امید او از محله که دیگر خیال قضا
در انولایت نداشته باشد و سکنه محله از جهت او
اهل و عیال او را نیز از محله کوچاند و مصوب حاجی زمان
بشوش آورده اند و حسب احکام در آنجا سکنی داده اند

از قراریکه بعضی خاکپای هایون رسید نو کرد و سر بار او را
در دادن فرع مالیات دیوانی احوال و تعلق داشته
مقرب انخافان قائم مقام مرتب را بعضی اولیای
دولت علیه رسانده حکم محکم نماید و صادر کردید که نوکر
و سر بار نیز مثل عیث فرع مالیات دیوانی را موافق
قرارداده دیوان از عهده براید

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عالیجاه
چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان چون این اوقات
عبور و مرور و طواف قفقانی و بختباری از راههای اصفهان
تجبه نظم راهها بهر جانی سوار فرستاده است که دزدی و
هرزگی نشود و کمال اقیبت تجبه مراقبت عالیجاه مشارالیه
آن راهها حاصل است

دیگر نوشته اند که نواب ابراهیم میرزا نایب الحکومه
در تقسیم خدمات دیوانی و انتظام امر انولایت تمام
دارند و بحسن سلوک و مردم داری اغلب مالی آنجا دارا

دشاکر و خدمتگذار این دولت علیه دارند و کسانی که
اکثر اوقات اقدام بخدمتگذاری میکردند درین اوقات
همگی شایق و طالب خدمتگذاری شده اند که بخدمت
معزی آید آند به شرایط اطاعت و بخدمتگذاری اقدام نمایند

از قراریکه نوشته بودند پس بسیار ببلوکات اصفهان
ریخته و پاره از دلات و بلوکات آنجا تکام کرده است

از قراریکه تعبیر اجناس با کولات و غیره شوشتر را نوشته
اگر چنانست سابق قدری ترقی دارد ولی باز هم چیزی
کمال و خور و ارزانی را دارد از جمله کدم تخمینا پنج من بکند
وجوده من بکند و بسیار و سایر اجناس نیز از اینقرار خواهد

و برنج و روغن در زمان نرسیدگی و فوراً دارد

دیگر نوشته اند که نواب براسیم میرزا نایب الحکومه ^{لسان} عالیجاه علیاده خان جانکی و سواره ابوالفتحی او را احضار کرده اند و مشارالیه نیز با سواره خود در کمال استکلی آمده و سان داده اند و مامور بکف و حرارت آن صفحات ^{کردند} که آنجا را از لاشیات دزد و قطاع الطرق و غیره محفوظ داشته باشند

و خاطر جمعی داده اند که مشارالیه را مورد التفات نواب شاهزاده چشم الدوله نمایند و عریضه نواب شاهزاده نوشته مشارالیه را روانه بر وجه فرموده اند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار مومند الدوله لکاب میرزا حکم ان مملکت فارس بعد از مراجعت از سفر کرمیرات لار و بنادر چون خوانین و صاحب منصبان قشون را که در آن سفر خدمت کرده بودند بجا اطفال و یامی و قاهره و تشریفات فاخره مهراوز کرده بودند و همچنین آنها را نیز که در غیاب نواب معزی الیه در شیراز کرم خدمتگاری و تقدیم خدمات در آن مشغول بودند بمشغول خلعت و التفات کرده بودند لئلا در عمارت دیوانخانه

و هم چنین در انتظام و آبادی آن ولایت و زراعت سمند ناصری و نیز اوقار ای آنجا اهتمام کامل نموده اند و عیال آنجا اسوده خاطر مشغول زراعت میباشند و عالیجاه میرزا علی پیشکار عربستان درین باب صاحب حکم نواب ^{الحکومه} ایتمانات کافی بجا آورده است

مجلس شیخان و شیرینی ترتیب داده و یکی اهل دروغا از اعاظم و خوانین و صاحب منصبان نظام در آن صیانت حائز شده و بعد از آن همه مجلس سماع فاخره کجور نواب معزی الیه رفته اند و نواب معزی الیه از جانب سنی بچوانب علیحضرت پادشاهی و امنای دولت علیه بهر یک یک التفات فرموده است

دیگر در انتظام امر شهر شوستر موقوف نمودن پارکها و خلافت اقبیل قار بازی و غیره نواب نایب الحکومه تدبیر اندک نموده اند و بعضی خرابها و سردابها که محل اجتماع الود و اشهر سرماز و غیر سرماز بود که در آنجا بناهای کتب میشد آنجا را موقوف و اشهر را رتبه کامل نموده اند که بعد از آن مرکتب اینگونه طای و سنای شوند و رسم چنین بعضی زینهای فاخره را نیز که مشهور و مشغول بهره کاری بوده است اخراج بجا نموده اند

چنانچه در باب بنادر عباسی و غیره سابقا نوشته بود که نواب شاهزاده لوازم تمام را معمول داشته است و آنهمه چهار صد نفر سرماز از فوج قشقایی و کلیایکانی و کهنه از نفرات کچی کرمسیری بهر ساخلو و کولالی قلعه بندر عباسی در وقت مراجعت تعیین کرده و گذاشته اند و حکومت بندر نور و شمل هیناب را بعالیجاه عباس خان غلام مشیخت

دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد حسن خان وز فولی که سابقا فرار اقبیلات رفته بود درین اوقات از حسن نواب نایب الحکومه خاطر جمعی حاصل نموده بدز قول مراجعت کرده است و نواب معزی الیه نیز التفات بسیار با او نموده

۱۱۴۳

تفویض نموده اند و بعد از ورود بشیر از یک دسته کوچکی
و چهارصد نفر سرباز از فوج حومه قرار داده اند که به بندر عباس
بروند که آن توپچی و سرباز سابق که در اینجا مستخدم خاص خان بود

و یک نوشته اند که در اوقات توقف نواب شاهزاده در کربلا
که قرار نظم انجمن را میدادند عالیجناب رضاقلیخان سر قبط را با
فوج عرب ایلاتی ابو ایسمعیل و با خلوی بندر عباس معین کرده
بودند فوج مزبور با غوای بعضی مضدین از صاحب منصبان و
جان فوج با عالیجناب رضاقلیخان مخالفت نموده و بی حکم بشیر از
آمده بودند نواب معسری الیه بعد از مراجعت دیرین با کتب کمال
منو و معلوم شده بود و تحریک بعضی صاحب منصبان فوج مزبور
بوده آنها که مقصد آنها بود بعضی اخراج و برخی اکتبیه کامل نمودند

و خانها با خان یا در راه که زیاده مصدر تحریک فوج مزبور شده بود
از فوج بیرون نموده اخراج کردند و چند نفر سلطان و صاحب
دیگر را که مقصد بوده اند حسب حکم بقراول انداخته اند و باین
آن جنس اند و این معنی که دلیل بر نوب شاهزاده بود و زیاد
در خاکهای بنایون شامسای سخن پسند افتاد

دیگر نوشته اند که اوقات مراجعت نواب شاهزاده از سفر مزبور
در منزل جهرم معصوم خان قورت چهار نفر در آن گرفته و مجبور آورد
بعد از تحقیق و حضور یکی از آنها را که معلوم شده بود و سالهاست
قطع طرق اشتغال دارد حکم بسیارست نموده و سه نفر دیگر را
بجس فرستاده اند

دیگر نوشته اند که مصطفی خان بسکی را که درین سفر علامات
مخالفت و خیانت از او ظاهر شده بود و نوشتهجات مقیده که
او به دست افتاده بود حسب حکم نواب شاهزاده مقیده و در فوج

تفتانی با قراول وارد بشیر از کردند
دیگر نوشته اند که قافله از بندر بوشهر با تجار تی به بشیر از می آوردند
جمع از سارقین بر از جانی و غیره هدست شده بودند که

در پنج فرسخی بوشهر قافله را فارت نمایند قاسم خان ^{بنک}
که نامور ساخلو آنجاست خبردار شده پنجاه نفر سرباز با قافله
همراه کرده بود و در آن غافل از اینکه سرباز همراه قافله است
در زیر چنار و کبک پنج فرسخی بوشهر بر سر قافله ریخته بود و سربازان
بعد م مقابله پیش رفته سه نفر از وزدان را دستگیر کرده
بودند و یک نفر از سربازان نیز زخمی کرده و بعد از دو
روز فوت شده بود نواب شاهزاده دو نفر از آن وزدان را
حکم کرده بودند در بوشهر نیزه بچ نمایند و یک نفر دیگر را نگاه
دارند حسب حکم معمول داشته اند

دیگر نوشته اند که شخصی از اهل فسا در وسط روز در بازار
شیراز راه میرفت ناگاه دفعه افتاده و قوی بر سرش افتاد
جان تسلیم نموده بود از قراریکه نوشته بودند ناخوشی تحقیق
داشتند

دیگر از بلخ خوارکی هسال نوشته اند که بجاصل آنولایت
بسیار ضرر رسانده است حتی حاصل بعضی دانات و بلوگان
بالمه تلف کرده است

اختیار و اول خارجه

درین مهله نیز اخباری تازه از فرنگستان نیست مگر آنچه
احوال است مفرقه نوشته میشود

احوال است مفرقه

از قرار حساب نظام جنبیه شهر پاریس در آخر ماه جمادی
در پاریس بای تحت فرانس دو هزار و شصت نفر از سربازان

سواى اطفال که بحساب آورده اند

درست که مزيجی نام که چند سال پیش ازین در مملکت ایتالیا
سکرو و بزرگ باغبان آن مملکت بود بعد از فرار از آنجا مخفی است

و محلی معین ندارد و بعضی از مردم بمکان میبرند که دو رستوران
دو باره از مملکت ایتالیا ظاهر شود که باز در آن ولایت قمارخانه

در مملکت فرانسه تدارک میدهد که در سال آینده عمارتی

مانند عمارت بلور لندن بجهت گذارستن نمونه اجناس کل
زمین برپا نماید و چونکه این شکل مجول بر پرس ناپلیان بود

او هم نامور با سلا حول شده است حال این کار از جانب
لوی ناپلیان بر طرفی از سوی آن رجوع خواهد

در جزیره سنت دمنگو که یکی از جزایر خط استوا میباشد

انجام میجو استند بزرگ شور تخانه را بلند و شهرست با
نفس برزند اهل آنجا خبر دارند و کذا

موافق حساب عمارات ولایت خود انگلیس از جمله چهارده
مقدار و نصف کلی است که بحساب آورده اند

درین روزها در شهر بالتیمور نیکی دنیای شمالی یکی از تجار
انجا فوت شده و اموال او را که در میان ورثه او تقسیم کرده

یک طیان دالار بود که تخمیناً یک کرو پول ایران با
در فرنگستان در خصوص کسانی که در راه آهن با کالسکه

سفر می کنند و بجهت هم خوردن کالسکه های مزبور که گاهی اتفاقاً
می افتد کشته و زخمی میشوند قاعده گذاشته اند که اگر وارث

آن شخص کشته شده یا خود آن شخص که زخمی شده است
ثابت نمایند که برهنه روی کالسکه از احوال عجایب این کار بود

از صاحبان راه آهن و کالسکه بنام او ان و دین او را بگیرند

از جمله درین روزها وارث شخصی که در راه آهن کشته شده

بود سه هزار پوند که تخمیناً شش هزار و شصت تومان پول
از صاحبان راه آهن گرفت است

اشخاصی در مملکت انگلیس نیکی دنیاستند که شرب سکر اترا
حرام میدانند و منع می کنند بسیاری ازین اشخاص در نیکی دنیاستند

شمالی هستند در روزنامه نیکی دنیای شمالی نوشته اند که
در یکی از بلوکات آن مملکت خلق در مشورتخانه قاعده گذاشته

بودند که ساختن مسکرات از دیوان منع باشد و بنا داشتند
که هر کس ظروف و غیره بجهت ساختن مسکرات داشته باشد

سکند و بر طرف نمایند و لکن دیوان در آنجا این حکم را مقرر
نداشت زیرا که در آن ولایت قانون آزادیست و این عمل منافی

قانون آزادی بود

از فرار روزنامه مند وستان ندر بزرگ در نزدیکی رودخانه
لنگ که بجهت تردد کشتیها میسازند کم مانده بود که با تمام بس

و بنا داشتند که در ششم ماه رجب بجهت تردد کشتیها بکشند
و این کار در روزها وستان کار بسیار عمده است و گویا تا بحال

در آن ولایت در عهد پشیک از پادشاهان انجا چنین کاری
با تمام نرسیده با و وقتی که تمام شود و عبور کشتیها از انجا متوقف کرد

نفع بسیار هم بجهت رعایا و صاحبان املاک آن اطراف هم برسان
کسانی که تنخواه در ساختن این شهر خرج کرده اند خواهد کرد

۱۱۴۵

روزنامه قایع اتفاقیه پنج شنبه یازدهم ماه شوال المکرم مطابق سال ۱۲۷۰

مزه صد و هفتاد و دو

قیمت روزنامه

یک نسخه در یک کمال

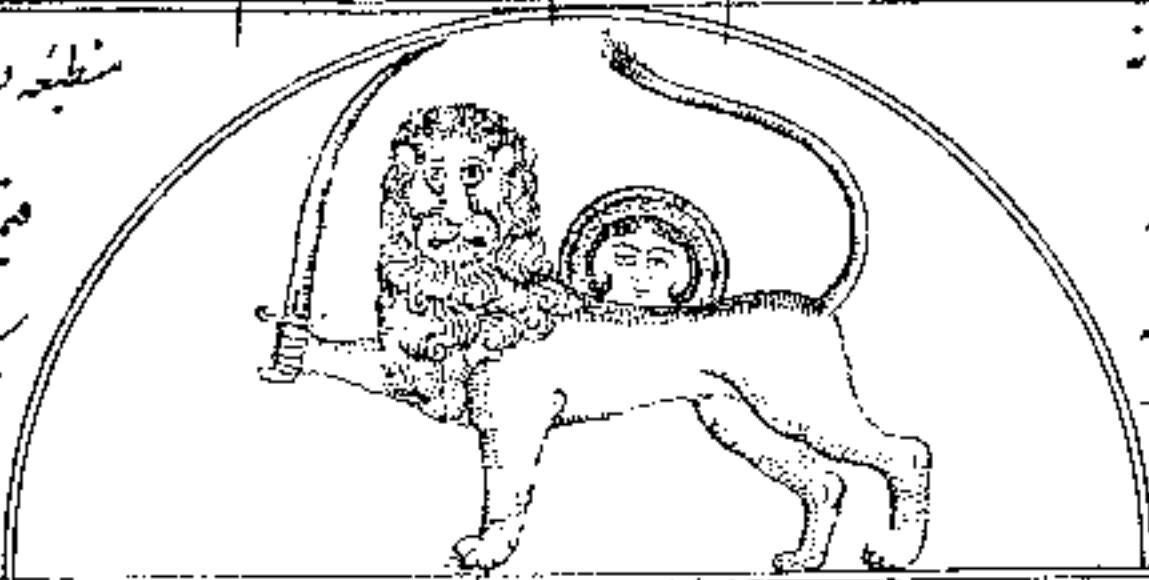
و قان و چهار هزار

منطقه دار اخلای طهران

قیمت اعلانات

یک خط چهار خطی یک روز

بیشتر با هر خط یک خط



اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

دار اخلای طهران

در روز پنجشنبه سیم انبیا علی حضرت پادشاهی از نیاید
 عزیمت شهر دار اخلای فرموده ساعت از روز گذشته
 شدند و جناب جلالت آبا و اجداد عظمی و عظام
 و امنای دولت عالی و مقربان حضرت گردون بیعت
 و سایر خدمتگزاران و در رکاب مبارک شریف
 و چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد قانون دار اخلای
 که در ایام ماه مبارک رمضان کسبه و اصناف شهر درجا
 معین جمع شده اسباب بلورالات و امتعه گرانها و اقچه
 از هر قبیل و حجرات که ترتیب داده اند چیده آرایش میدهند
 محل تقربگاه و خرید و فروش و داد و ستدی شود ایام چون
 میدان جلودروازه ارک مبارکه مشهور بزمیدان حبیب الله شاه
 تازه با کمال شکوه و صفاسا خد شده است تجار و کسبه و اصناف
 و ارباب صنایع در میدان مزبور حجرات ترتیب داده و با
 و امتعه آرستند و چونکه در ایام ماه مبارک رمضان علیحضرت
 پادشاهی بشهر تشریف فرمائیده بودند مقرر فرمودند که امتعه
 و نقایس میدان مزبور را برنجینند و بهمان قیمت ویرتیب

باشد تا روز مزبور که موکب هایون تشریف درهای شهر گردیدند
 بهتفرج میدان حد تشریف برده تجار و کسبه و صنعت کاران
 از سه و بلورالات و نقایس در جلو حجرات خود در ایستادند
 بعضی عرض حضور مبارک آوردند و خود را علیحضرت پادشاهی از نیاید
 است خاطر هایون افتاد از آنجا خریداری فرمودند علاوه از آنکه
 تجار و کسبه از فریبش است و امتعه خود و نفع بردند از زمان
 وجود نقایس ایچو مبارک کمال خرمی و انبساط عموم مالی و
 حاصل گردیده زبان بشکرانه این مومنت و دعای دوم
 دولت جاوید مدت علیه کشود و علیحضرت پادشاهی بعد
 تفرج و تماشای آنجا در همان روز نزدیک بغروب آفتاب
 بعارت مبارک بنیاد آن محادثه فرمودند
 وزارت و ظایف و موقوفات کل مالک محروسه پادشاهی
 صان الله عن الهیهای از جانب سنی ایچو انب علیحضرت پادشاهی
 شاهنشاهی بموجب صد و فرمان لازم الاذعان هایون
 مفوض و مرجوع بمقرب الخاقان جناب مرزا محمد حسین رضا الملک
 و بمقتضای حکم اولیای دولت قوی شوکت علیه ثبت
 و ظایف و موقوفات از دفترخانه مبارکه عمده ما بعد از الخاقان

۱۱۴۶

مشاریه تجویز تسلیم شده است و حسب الامر مقرر است که
 پشت فرامین و احکام مطاعه که داخل محل دفاتر است و موقوفات
 دار و خطه عهد مشاریه محل اعتبار و لی خط و عهد از دفاتر
 خلوه نگذرد و با مهابدستوفیان عظام نرسد چون انضباط امور
 و نظایف و موقوفات زیاده از حد منظور نظر هیئت است
 بر عموم متولیان و اشخاصی که در محل موقوفات در مالک
 میباشد امتثالاً للامر الاعلی لازم است و اجابت که بی اطلاع
 مقرب الخاقان مشاریه یا مباشر او داخل در موقوفات نماید
 و سبب است و سرشته و خلل گزینش را باید برساند که اطلاع
 اولیای دولت علیه رسیده همه ساله محاسبات موقوفات
 نیز و جزو و نظایف با دیوانیان عظام سپردار و بدیهی است
 که هر کس اقدام بر رفتاری نماید که منافی حکم هایون باشد
 مورد مواخذه خواهد شد

چون منظور اعلیحضرت پادشاهی از دایر نمودن مدرسه
 و آوردن محصلین از فرنگستان ترویج قوانین نظامیه و قواعد
 حربیه و سایر علوم هندسه و طب غیره است و امحی از وقتیکه
 در سه نوبت دایر شده هر یک از میران پنجه و شریبان
 صاحب منصبان نظام کمال سعی و اهتمام را در مشق و حرکت
 نظام و اقسام حرکات حربیه محمول داشته و ترقیات کلی
 نموده اند از جمله عالیجا مقرب الخاقان علیخان سرتیب قره کور
 کتابی در علم نظام و اسلوب جنگ و قواعد مشق قشون تألیف
 نموده و عالیجا کلون صاحب تصدیق کرده بود بتوسط امیر الامراء
 سردار کل بمجنوبهایون اعلیحضرت پادشاهی معروض داشت
 و بسیار مستحسن و مطبوع خاطر ملوکانه افتاده مشاریه را مورد
 تحسین و التفات خسروانی فرمودند و از حضور هایون آن

مختصی حاصل نموده درین روزها بهمان روانه گردید که در
 سرفوج ابواب جمع خود بوده امر انحصار انظمه بداد تا هر وقت
 که احضار فرمایند بدینجا یون و دست نماید
 درین اوقات که موکب هایون در نیساوران تشریف دارند
 امورات دارا بخلاف طهران با اتهامات وافی و دریافت
 کافی نواب سبطا شاهزاده و الایبار اردو شیر میرزا حکمران
 و مقرب الخاقان میرزا موسی و وزیر دارا بخلاف طهران و توانج
 انتظام است و اشخاصی که مقرر و مراقب نظم شهر و محلات
 از قبیل عالیجا محمد خان کلانتر و کدخدایان و صاحبان
 نظام قرانگانهها و داروغه و کزنهها و غیره همگی در عیانت
 هایون نهایت خدمتگذاری را در انجام خدمات مرجوعه

معمول داشته اند

از قراریکه در روزنامه شهر نوشته بودند یک نفر ضعیف
 یزدی بقدر ششصد مفسد تومان اسباب از مردم بدیج
 سرقت نموده بود عالیجا میرزا رضای کد خدا او را گرفته خدمت
 نواب شاهزاده آورده بود معلوم شده بود که ضعیف مذکور
 سه سال قبل نیز در طهران بدزدی گرفته شده بود و بعد از آن
 اموال مردم او را از دارا بخلاف اخراج و بدین فرستاده بود
 این اوقات در ثانی بطهران آمده و بنای سرقت را گذشته
 بعد از آنکه اموال مردم تا آنجا از او استرداد و بصاحبان
 اموال تسلیم کردید نواب شاهزاده حکم کردند که او را بدست
 نایب چایخانه سپرده الترام بگردانند که برده و در نزد
 یزد سپرده قبض گرفته بیاورد

سایر ولایات

۱۱۴۷

آذربایجان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امورات
 استخا از انتظامات نوابش برزاده و الا تبار نصره الدوله
 فیروز میرزا و مقرب الخاقان قایم مقام کمال انتظام
 دارد و حکام جزو نیز بعضی چنانچه در مقدمه گذشته نوشته
 تغییر و تبدیل یافته و همگی زوانه مفر حکومت خود شده اند

استراپاد

در روزنامه استراپاد نوشته اند که بعد از آنکه مقرب الخاقان
 محمد و لیخان بیکر بیکی از کوهگان مراجعت کرده بودند
 هالیون رسیده لازمه احترام را از خلعت مهر طلعت
 بعل آورده بود و با جمعی از سرد کردگان و صاحب منصبان
 و نوپچی با استقبال خلعت رفته بعد از ادای مراسم شکر
 گذاری خلعت هالیون را نیز برودش اعیاناً جود نمود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند نواب
 مستطابش برزاده و الا تبار فریدون میرزا فرمانفرمای
 مملکت خراسان بمقام ماه رمضان المبارک از آق در بند
 مراجعت کرده هاروز خلعت عیدی اعلی حضرت پادشاه
 پوشیده لازمه احترام را در استقبال خلعت آفتاب طلعت
 بعل آورده بودند و در هشتم ماه فروردین داخل شهر شد
 تنیست و توقیر و احترام خلعت روز و در بیشتر چند توبه
 شد و اعیان شهر کلاً با استقبال نواب معزی الیه رفته بودند
 و بعد از آنکه نواب معزی الیه بزیارت روضه منوره رفته و
 مراجعت کرده بودند چون در سنگهای نرخیان خرابی مشاهده
 کرده بودند دستور العمل داده و قدغن کرده بودند بزودی

۱۱۴۸

تعمیر خرابیهای آنجا را نموده آب میدارند و مقرب الخاقان
 میرزا فضل الله وزیر نظام مستولی باشی و پیشکار خراسان
 قدغن کرده بودند سنگهای قوی صحن کهنه را یکی کنده اند
 سنگ فرش نمایند و طلاکاریهای ایوان کهنه را که ضایع
 شده بودند استوار گماشته اند که پاک کرده کلاً را از کهنه
 و سقاخانه دوباره طلاکاری نمایند و هم چنین مسجد کهنه
 هم بنا گذاشته اند که درست تعمیر نمایند و دیوارها را نیز
 بنا انداخته و درست تعمیر نموده اند و جنسی خوب و تمیز
 شده است

سمنان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند یک کرک
 با چند کلاغ دیوانه شده اند و آن کرک چند نفر در صحرا
 کرده بوده است بعد مردم اجماع کرده و او را با تفنگ
 و لکن آن کلاغها را با سرب عقب آو هما میکند امشته اند
 و متعاقب هر کس که میرفته اند دیوانه می شده است
 بهین طریق سی چهل نفر دیوانه شده بودند و بعد در وقت
 روز کلاغها در آنجا بوده اند بعد رفته اند و از آنها خبری
 نشده

کرمان

از قراریکه نوشته اند امیر الامرار النظام محمد حسن خان سردار
 حکم آن بزرگوار کمال امتیام و تا نگید در نظم و نسق
 شهر و بلوکات و جوانب دارند و امر رعیت بسبب انتظامات
 سردار کمال نظم را وارد و اشعار را تلبیه کامل نماید از جمله شخصی
 خورده و مسجد جامع رفته بود او را گرفته بزرگ سردار آورده بودند
 از اینکه مست بجهت رفته و مرکب چنین چهره می شده بود
 او را حبس کرده و تمبیه کامل نموده بعد از آن اخراج بلو کرده

اخبار دول خارج

انگلیس

تا پنج کاغذ آخر که از لندن رسید چهار ماه شعبان بود در مشورتخانه اولایت گفتگوئی شده بود در بعضی اشخاص که یکی از مالک کوچک ایتالیا رفته بودند و در بعضی اشخاص که در آن مملکت مجوس بودند با منای دولت اینجا گفتگو کرده بودند و همچنین بعضی اشخاص دیگر از اهل انگلیس که چند وقت پیش ازین به پترزبورغ رفته و بنجدمت امپراطور مشرف شدند که حالت اینجک کینند چون گفتگوی ما بین دولتین مخصوصا پادشاهان است این اشخاص که رفته مطالب خود را پادشاهان دول خارج گفته اند خلاف قانون دولتی کرده اند قاعده این بود که عرض مطالب خود را به دولت خود نمایند و ایلیان و امثال دولت از جانب دولت این گفتگو را با خارج در میان بیاورند و چون قاعده دولت انگلیس این است که اگر کسی از اهل آن مملکت در خارج تقصیر کند یا کاران دولت انگلیس تسلط نداشتند که او را عیبی بکنند موافق قانونی که داشته اند تیند کردن این اشخاص قدری مشکل بود حال درین باب حکمی صادر کرده اند که هر کس از اهل انگلیس برود و پادشاهان دول خارج مطلقا بی اطلاع باشد و چاکران دیوان بگوید مورد مواعده خواهد شد

درین روز یکی از کشتیهای پادشاه انگلیس که به تدریس بود که بکنار مملکت افریقا رفته بود به اولایت انگلیس مرعوب گردید و درین دو سال هیچکس از اهل این کشتی ندیده اند و بسیار عجب است سبب اینکه سابقا آن کشتیه را بسیار بد آب هوا میدادند و سبب بسیار اتفاق می افتاد از اهل کشتیه که با آنها میفرستادند سخته بی آب و هوا در آنجا مانع میشدند بسیار عجب میکنند که در عرض این دو سال هیچکس از اهل این کشتی تلفع قوت نشده است

و باین سبب میداند که حالاک فی که با آنجا سفر میکند خوراکی که بهوای اولایت مناسب است داشته باشد بلد شده اند بلکه معالجات ناخوشیهائی را نیز که در آن کشتیهها عارض میشود بهتر از سابق قضیه اند اکثر ناخوشیهای آن کشتیهها از تب و لرز است که در عرض چند روز آدم را تلف میکند و تا امروز کمر سیر است و در زیر خط استوا واقع است جنگلهای سخت دارد و در دو خانهای عظیم از آنجا میگذرد که در آنجا داخل بحر محیط میشود و بجهت شدت حرارت و رطوبت غوغائی که در هوا از پوشیدن درختها که در چننها و مردابهای پوشیده حادث می شود ناخوشیهای بسیار در آن اولایت بهم می رسد بطوریکه اهل دلایات دیگر مشکل در آنجا میتوانند زیست نمایند

باز درین اوقات از مملکت انگلیس سبت روم پیوسته میفرستادند از آنجکه یک کشتی بجا بزرگ حاضر کرده بودند که غیر از کشتیهایمان هزار و دو سبت نفر قشون و شانزده سبت اسب و ششصد چلیک بار و ط در میانس بود

در خصوص قشون ردیف مملکت انگلیس که بجهت ساخلو و نظم خود اولایت اند سابقا حکم چنین بود که سالی یکده سبت سبت جمع بشوند و بعد از آن مرض خانه باشند حال چون قشون کجا زیاد بخارج میفرستند حکم داده اند که قشون ردیف بعضی دائم حاضر باشند و مرض خانه نشوند و بعد از پانزده هزار یا سبت هزار نفر ازین قشون در بعضی از حصارها که در آن مملکت برقرار بشوند و بعضی ازین افواج را هم خبر کرده اند که تا مدت شش ماه و بعضی تا یک سال حاضر بوده و مشغول حدتند که از دولت رجوع بشود باشند

۱۱۴۹

در اوایل ماه شعبان در مملکت انگلیس جوانی نسبت به فصل بسیار
گردیده و بارندگی زیاد شده بود و با تکرار آماجچه حاصل گشته
و غیره بسیار نفع کرده بود

دیگر نوشته اند که بحث و گفتگویی که مابین عملجات کارخانجات
پنبه و صاحبان کارخانجات در شهر پلرتون بود درین اوقات کم
مانده بود که تمام بشود و عملجات مزبور لا بد شده بودند که کلیف
صاحبان کارخانجات قبول نموده بهمان اجرت که آنجا میدادند

مگر بعضی که شغل آنها راه بردن چرخ ریمان تالی بود آنها نیز
چنین مکان داشتند که درین روز گفتگوی خود را تمام کرده مشغول کار
خود باشند

دیگر نوشته اند که در شهر پلرتون مملکت انگلیس شش کارخانجات
شکر برزی و قندی آماده و بالتره سوخته و بقدر شصت و چهار
هزار تومان اموال در آنجا تلف کرده بودند و نزدیک به یکصد
نفر عمده که در آنجا کار میکردند بابتش گرفتن کارخانه مزبور بکار
مانده بودند و تا بحال هیچکس بخواطر نداشت که چنین شش در شهر
مزبور بکارخانه آماده باشد

در روزنامه پاریس تاریخ چهاردهم شعبان نوشته اند
که ایلمچی کبیر انگلیس مقیم پاریس بنا داشت که بشهر لندن مراجعت
نماید و چند روز در لندن مانده بعد بجل ماموریت معاودت
بکند

فرانسه

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرانسه نوشته اند
شعبان بود و نوشته بودند که دولت فرانسه حکم کرده بود
که در سمت شمال مملکت فرانسه قشون جمع شود نزد کلبه
سنت عمر و درین خصوص از قرار روزنامه گفتگونی شده است

مابین دولتین فرانسه و پروسیه دولت پروسیه از
جمع شدن قشون فرانسه در آنجا خیال دیگر کرده اند بسبب
در ایام ناپلیان بزرگ قشونی در همان اطراف نزدیک شهر

مبون جمع کرده بودند و جان قشون مانور جنگ مملکت فرانسه
و حمله با نولایت برده فتح مشهور بهینه را در آن جنگ نمودند
درین اوقات نیز که قشون فرانسه در آن طرف جمع شده
شهرت دارد که درین خصوص گفتگونی مابین دولتین پروسیه

و فرانسه شده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات انیمت جنوب مملکت فرانسه
و از مملکت جزیره العرب که در تصرف فرانسه است بپوشید
قشون بسبب اسلامبول میفرستادند

دیگر در روزنامه این ولایت نوشته اند که ایلمچی فرانسه مقیم
اسلامبول را خواسته بودند و بنا داشتند که سر کرده
قشون سنت عمر نمایند و لکن این خبر چندان یقین و محقق
از جمله دزدیهای غریب که در روزنامه فرانسه نوشته اند
این است که بعضی اشخاص با اذن دیوان در بازارها و جایگاه

محل اجتماع مردم بودستی از قمار بازی که لاتاری مینامند
میکردند و در هنگامی که مردم جمع گردیده سرگرم بازی میشدند
و زدان کبیر بری میکردند و ثابت کردن این دزدی بکردن
اشخاصی که ترکیب سرقه میشد بسیار مشکل بود و بقدری بجهاد
نیز دیوانیان آمده بودند که در باب دزدان شهادت میدادند

و لکن از شهادت آنها چیزی بکردن دزدان ثابت نشد بود
که بتوانند آنها را جبه نمایند تا یکی از دسته دزدان مزبور را
بست آورده بودند که پس خود و همسران خود اقرار کرده بود

آنوقت این دزدی بکردن آنها تابت که اکثر این مردم که
بر وقت اقدام می نمودند صاحب چیز بودند و بعضی قدری
اطلاک داشتند از اینها بعضی را بحده یک سال و بعضی را
دو سال و بعضی را سه سال و بعضی را چهار سال باندازه
آنها حکم حبس دادند

سایر دول فرنگستان

در مملکت اسپانیول که چند وقت پیش ازین جزئی افشا
بود و بعضی از خوانین و سایر مردم آنجا را گرفته و خراج
بودند حال آنکه این مملکت هم مالک ایتالیا نیست
سابقا رومی و ایتالیاست و بعضی از مردمان صاحب
اطلاک که در خصوص باغی شدن از دولت املکشان
دیوان شده بودند و دستاوردند و نه نفوذند حال که چند
سالست آرام گرفته اند مثل روتسکی سر کرده قشون
استریه و نایب سلطنت آن مملکت حکم کرده بود که املک
آنها را پس بدهند

در مشورتخانه ساروینیه گفتگویی در خصوص امورات
شده بود و مصلحت آنها با اینجا انجامید بود که دولت
هیچ مدخلیت بجکی که حالا در فرنگستان نداشته باشند
و صلاح دولت را درین دیده اند که بامزه در کنار استیاد
باشند

از فرار خبری که در روزنامه کاپن پکن پای تخت دینارک
نوشته اند در اول ماه شعبان پنج روبروی شهر میان
رودخانه ریکه آتش بود و دینوه نیز که از پای تخت
و از قران تا دیکه بخش شکسته بود و لیکن بجهت زیادتی تیغ
که در میان آب بود تا چهارده روزه و در آن رودخانه

بچه گشتیها مشکل بود

در مملکت مادینه که آنهم یکی از ممالک کوچک ایتالیا است
چند نفر بودند که بفرار بهای آن مملکت خبر فرستاده بودند
گرفته محبوس کرده بودند و لیکن هر سه خوردگی در اول

اتفاق بیعتاده بود

سینکی و نیای شمالی

در روزنامه سینکی و نیای شمالی که بتاریخ یوم شنبه اول
شعبان نوشته اند در مشورتخانه آن ولایت باز گفتگویی
در خصوص جزیره کوپوشه بود و اهل آنجا زیاد از دولت
اسپانیول و نخوری داشتند که چاکران دولت اسپانیول
از فرار گفتار اهل سینکی و نیای گمر نسبت بابل آن مملکت
تعدی و بی حسابی کرده اند که عدلی نوشته بودند که از
بچه سال قبل ازین تا کنون چند بار بابل سینکی و نیای شمالی
از چاکران دولت اسپانیول مقیم جزیره کوپوشه بی حسابی و
ظلم شده است و با اینکه با کمال طاعت رفع ظلم می نمودند
خویش کرده بودند دولت اسپانیول قبول نکرده اند
بیا و اهل دولت سینکی و نیای رسیده و رفع ظلم از آنها
موافق روزنامه های سایر ولایات این گفتگو با هم علامت
جنگ است که دولت سینکی و نیای شمالی در آن سمتها
پرزورند بهانه جوئی بجهت جنگ می کنند و اینمعی بر ظاهر است
که اگر ولتین انگلیس و فرانس می شدند تا سجال یا خود
دولت سینکی و نیای شمالی یا از اهل آن دولت بی
اذن دیوان جزیره کوپوشه که بجهت آب و هوا و حاصل
بهترین جای روی زمین است از تصرف دولت اسپانیول
در می آوردند ازین گذشته هم چند وقت پیش ازین گشتی

۱۱۵۱

یکی دینای شمالی از شهر موته می آمد و توب سلام که قاعده است
 بجهت حرمت بیدق آن شهر خالی می کنند خالی نگردد و مسوول
 وزیر مختار از جانب دولت یکی دینای شمالی مقیم پای تخت
 اسپایبول بجهت اینکه بعضی مطالبی که داشت دولت اسپایبول
 قبول کرده بود کم مانده بود که دوستی و مودت ثابین دولتین
 بر هم نریزد و مراجعت بولایت خود نماید دیگر کسی که مال
 دولت نبود اما مال خلق بود و پراز تفنگ و اسباب جنگ
 چند وقت پیش ازین از شهر نیویا یک روانه شد و نزد
 بشهر نیویا ریانس آمده بود و کسی ندانست که این کشتی را
 بجا خواهند برد و لکن چونکه شهر مزبور نزدیک جزیره کوبه است
 منطقه کلی دارند که بان جزیره روانه بشود و قونول اسپایبول
 مقیم شهر مزبور بجا که جزیره کوبه خبر فرستاده بود که چنین کشتی
 نیویا ریانس آمده است چاکران دیوان در جزیره کوبه خبر داد
 و هوشیار باشند که اگر کشتی مزبور با نجا بیاید او را بگیرند

در یکی از شهرهای آنجا هم بر سوزدکی شده بود و خصوص اشک
 بعضی از اهل منته تقصیر کرده بودند چاکران دیوانی آنها
 گرفته و محبوس کرده بودند سایرین که بعد رسیدند قهر بود
 میخواستند در بجهت بخانه شکست و در قهای خود را بیرون
 بیاورند یکی از چاکران دیوان کشته و یکی زخمی شده بود
 چاکران دیوان جمع شده و بسیاری از معتصمین را گرفته
 و محبوس کردند

بعضی از تجار فرانس از یکی از دول کوچک یکی دینای جنوبی
 طلبی داشتند و این دولت حق تجارت مزبور را نمیدانستند
 کشتی جنگی از دولت فرانسه بان است آمده بود که حق تجارت
 خود را از دولت مزبور بگیرند

سابقا قاعده دول این بود که حمل و نقل بار از شهر تا شهر ولایت
 در دست خود اهل آن دولت بود و نمیکند استند که اهل دول
 خارج از شهر تا شهر میان ولایت با بگیرند و حمل و نقل میکنند
 حال دولت انگلیس حکم کرده اند که اگر اهل دولت یکی دینای
 شمالی بخواهند بار از لندن بگیرند که بشهرهای دیگر انگلیس ببرند
 اذن داشته باشند اهل یکی دینای شمالی ازین مرسد
 بسیار راضی خوشنود بودند و لکن معصومیت که آنها نیز این
 اذن را بجهت اهل انگلیس میدادند

احوال مسترقه

در روزنامه فرنگستان در او اخر جمادی الثانی و اوایل جمادی
 تفصیل ستاره دنباله دار را نوشته اند که در آن ایام پیدا
 بود و در بیت و چهارم جمادی الثانی نزدیک بکره افتاب شده
 بود و بعد از آن چنانکه قاعده این ستاره است تراجم نموده و بعد

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در یک هفته
 پنجاه و پانصد نفر دوزخ از دول فرنگستان خصوصاً
 دولت انگلیس داخل شهر نیویا یک میشد و دنیا شده اند و یکدیگر
 یکصد نفر بشهر قله لقیه آمده بودند

بعضی از صاحب منصبان قشون بحری روس در نیویا یک
 بودند و پیوسته کشتی زحانه آنجا میرفتند کمان داشتند
 که میخواهند کشتی از دولت یکی دینا بجهت دولت روس

بشهر چارستین افتاده و خانها و انبارها سوخته
 بودند و نزدیک به ولایت و پنجاه هزار تومان مردم صدمه خوردند

خبر و زغایب گردید

لائق واجب نقل میدانند و می کنند

اعلانات

درین روزها دولت روس بنا دارند که کشتیهاست
 مملکت بیان بنویسند و کشتی ازینکی دنیا با نولایت رفته است
 از قراریکه در دو نامه نگار نوشته اند منظور این دو دولت
 این است که مملکت بیان من بعد از آنکه سایر جاهای روی زمین
 بجهت تجارت کل روی زمین مفتوح باشد تا سجال اهل دولت
 بیان نیکداشتند که اهل دولت خارج و داخل ولایت آنهاست
 و چند کشتی که بجهت تجارت با بنجامین رفتند اذیت زیاد میدیدند
 و در روز کشتیها توب و تفنگ و هر چه سلاح حرب بود از آنها
 کشتیها میکشیدند در قدیم الایام بسیاری از اهل این مملکت
 عیسوی بودند و چونکه اهل بیان حال عداوت بملت عیسوی
 داشتند چند وقت پیش ازین هر چه عیسوی در آنولایت بود
 همه را کشتند اهل این جزیره بسیار ضعیف جنبه و چگون
 از جنگ بسیاری ترسند قشون رکابی که دارند صد و پنجاه
 هزار نفر است و در هنگام ضرورت تا سیصد هزار میتوانند
 اندازند و جمع بکنند و لکن آنها که با نولایت رفته اند گمان
 که با وجود این قشون زیاد اهل آنجا نتوانند در مقابل قشون
 فرنگستان وینکی دنیا ایستادگی نمایند و بسیاری از اهل
 آن جزیره مذہبی دارند که بعضی از قانون آن شبانتهای
 عیسوی دارد و چونکه اشخاصی که این مذہب را دارند در
 اهل نولایت مظلوم اند و درینست که اگر از دول فرنگستان
 که عیسوی هستند با بنجامین و از اشخاص مزبور بطرف آنها تامل
 شده با اهل بیان جنگ نمایند از قراریکه می نویسند اهل این
 جزیره چند آن سفک دماغ و بجانشان حمل نیست و بجهت
 تقصیری که می کنند که کبیر که گمان میکنند که عیسویست اونا

- کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید با
 در محل نزدیک دروازه دولت بطبع شده از اینقر
 فروخته میشود
- ۱۰۰ — شرح نظامی بیت و پنجاه
 - ۱۰۰ — سرایر دو تومان
 - ۱۰۰ — زبدة المعارف دو تومان
 - ۱۰۰ — معراج العاده یک تومان
 - ۱۰۰ — حدیقه الشیخ هشت هزار
 - ۱۰۰ — شرح کبیر دو جلد شش تومان
 - ۱۰۰ — شرح لمعه یک جلد سه تومان
 - ۱۰۰ — شرح الریاء دو تومان
 - ۱۰۰ — تصریح پانزده هزار
 - ۱۰۰ — شاهنامه چهار تومان و نیم
 - ۱۰۰ — تفسیر صفائی یک جلد دو تومان
 - ۱۰۰ — قوانین یکجلد دو تومان
 - ۱۰۰ — قاموس سه تومان
 - ۱۰۰ — مجمع البحرین سه تومان
 - ۱۰۰ — تحفه الزائر یک تومان
 - ۱۰۰ — مجمع البیان شش تومان
 - ۱۰۰ — جوهری شش هزار
 - ۱۰۰ — زینت المجالس دو ریال
 - ۱۰۰ — مسالک شش تومان
 - ۱۰۰ — مدارک سه تومان

۱۱۵۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجمه شنبه مقدم ماه شوال المکرم قیام نهار ۱۲۷۰

نزد صد و شصت

قیمت روزنامه
یک نسخه ده بریکه
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت کلمات
یک خط از چهار خط یکصد
بسیار با هر خط یکصد

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بجزم تفریح
سخت سو مانگ و آن اطراف سوار شدند و تشریف فرمای
سردار آباد که جانی است با صفا امیرالامرا، الوظام و
سردار ساخته است گردیدند چون بیستان و خیابان
اسطخ آنجا چند روز قبل رسم که موکب هایون بان سمنها
تشریف فرما گردیده بودند بنظر مبارک رسیده و سخن
خاطر ملوکانه افتاده سفارشش فرموده بودند که آنجا را
داده تیرگانید و حسب المعزمه حمل داشته در روز نور که
موکب هایون با آنجا تشریف فرما گردیدند سرپرده و چو
پوش متعهد در بیستان آنجا روزه بودند امنای دولت
علیه و بعضی از خواص مقربان حضرت کردند و بسط سینه
در رکاب بودند عالیجاه میرزا محمد کاشته امیرالامرا
سرور در وقت ورود موکب شاهی لوازم پیشکش و قربان
مقدم هایون را بطور شایسته تقدیم نمود و اعلیحضرت پادشاهی
تا عصر را در آنجا تشریف داشتند و بر وجود مبارک بسیار خوش

۱۱۵۴

گذشته نزدیک غروب آفتاب بجهت مبارک که نیاد را
معاودت فرمودند
عمده الامراء العظام سید محمد خان ظهیر الدوله حاکم هرات
عالیجاه سردار صالح خان را با چند ریس اسب پیشکشی
هایون فرستاده بود و در روز یکشنبه سیر و رسم
ایناه وارد شده در سبلاق نیاوران شرف اندوز خاک
مبارک گردیده مورد شمول الطاف و مرحمت ملوکانه
در روز دو شنبه چهارم اینماه لیاعت لغروب مانده در
هوای انقلابی پیدا شده طوفان در عهد و برق سرگرد و بعد از آن
بنای باریدن باران گذشته و از سر سب الی صبح بکرات
باران ریاد بارعد و برق شدید آمد بطوریکه درین موسم
بسیار کم اتفاق افتاده بود که این طور بارندگی درین ولایت
نشود و هنوز از اطراف خبر میاید است اما در وقت که بعضی ها
سین راه افتاده است

در روز جمعه یازدهم اینک به شوال المکرم که عید مولود علی است
 امیر امور عالی کتب و دستبند بود جناب موسیو انجمن کتب
 دولت روسیه در قریه زرکنده که محل سیاق سفارت است
 و در یکفرسخ و نیمی و از آنجا فرزان واقع است بقا عده
 سفر و نامورین سابقه دولت روسیه مجلس تفسیر تفسیر
 فراهم آورده جناب نظام الملک و امیر الامراء العظام
 سر و ارکل و جناب وزیر امور خارجه و مقرب انخاقان
 و اشخاص معصمه با چند نفر از صاحب منصبان دول دیگر

مقرب انخاقان مقرب انخاقان عالی چیدخان عالی میرعباس
 فرخ خان محمد خان میریچ سرنگ فرخ خان و خاصه امیر خواجه
 چاکران ابن دولت علیه نیز حسب الوعدہ بالباب اسرار
 و نشان و حامل از بابت اخبار احوال حضور بهم رسیدند
 و بملزومات حسن مزبور از هر حیثیت از قبیل تشبیه بادی
 و غیره اقدام رفته با کمال ابتساط و سر و جنبافت تفریح

بانهما رسید

افواج قزوینی که در قراولخانههای شهر بحفظ و حراست
 بودند این اوقات مرخص گزاشدند حسب الامر
 فرج خلیج ساهه ابوالجمععی عالیجاه جانمیر خان سرنگ
 بجای آنها بحفظ و حراست شهر و محلات مشهور قراولخانهها
 که در چند

سایر اخبار

در روز پنجشنبه از قراول یک در روزنامه اوز با بجا
 در روزنامه از قراول که در وقتیکه در استقبالی
 در روزنامه از قراول که در وقتیکه در استقبالی

قائم مقام با بخار رفته از انتظام کلی یافته و سخنرانیات کلیات
 امور ولایات عم از کار نوکر و رعیت و نظم معاطات و قرا
 محاسبات رسیدگی کامل مینمایند و اگر کسی بنده
 سرکتاب غلط حسابی شده باشد فوراً در مقام تفسیر
 او برمی آید و رسم چنین در شش و انتظام امور افواج قرا
 متوقف آنجا از توپچی و سر بار کمال اهتمام را دارند
 و افواج آنجا همه روزه مشغول مشق میباشند و بانها
 نظم و درستی حرکت مینمایند

دیگر نوشته بودند که فوج ماکوئی را که احضار برکات
 شده بودند در ششم اینماه مقرب انخاقان قائم مقام در
 اطاق نظام موجب آنها را تمام و کمال داده مدارکات
 خود را دیده اند و در نهم ماه مزبور از تبریز بیرون آمده بودند
 در بارها بیون گردیده اند

احضاران

از قراول یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند چند
 پیش ازین اطلاع بختیاری و فرغانه چند نفر قاضی سیرجانی و
 شهر بابکی را در راه پند و برهنه کرده و مبالغه نقد و حبس
 چهار صد و پنجاه تومان از آنها برده بودند عالیجاه چراغعلی
 کاتب کبیر مصفا از اهل طبرستان را بر اینصحنه بکیه نفر عظام
 بزرگترین شان بختیاری و فرغانه فرستاده نوشته
 بود که اموال مسروقه را احکام بدست آورده و عظام نمایند آنها
 در روزنامه از قراول که در وقتیکه در استقبالی

۱۱۵۵

از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند امسال بجهت کمی باران محصول دیمی سیباجه و علیاه سفلی بالمره تمام شده اغلب از دماست که زراعت دیمی داشتند بسبب غلظت حاصل متفرق شده اند که قوه و بنساعت شجر و حکم پاشی سال آینده را انداختند نواب مستطاب بنزاده و الابر چه شام اله و له خان میرزا درین باب نوشته اند که مزاج و اتهام زیاد دارند که برای سال نو زراعت دماست مزبور

موقوف نشود

دیگر نوشته بودند که نواب المیرزا بجهت نبودن غله در و خاوه هنوز حرکت بیان ایلات ننموده اند و در خرم آباد دارند و بعضی از طوائف که سبب خشکسالی بنامی تفرقه داشته اند نواب معزئی الیه در صد اصلاح کاران اخبار کرده و آنها را به و اطفا و لیبای دولت علیه امیدواری داده اند که متفرق شوند

دیگر نوشته اند که از سعی و اهتمام نواب معزئی الیه و چجابی که سابقا در میان طوائف آنجا معمول بود درین اوقات بکلی موقوف است

بیرد

از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند سه نفر معلم که از دربارها بوان بجهت مشق فوج جدید آنجا رفته بودند چند سبت که با آنجا رسیده اند و درین اوقات همه روز مشغول مشق و ادن هستند و سر باز کرمانی متوقف در العبا بزرگ روزنامه را نزدیک نظر در میدان ارک مشغول مشق اند و با کمال نظام حرکت مینمایند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که جعفر نامی از سربازان متوقف بزرگاناگاه مرضی عارض گردیده که تشخیص آن معلوم نبود تا دو روز بعد هوشش بود و در روز ششم از خواب او بایس کشته بودند و رنگ او سیاه گردیده با غلظت و اضطراب زیاد دست و پامیزد نزدیک عصر روز ششم بیکبار از آن حالت بصورت منقلب گردیده برخواست و فریاد میکرد با امام رضا روحی فداک تقصیل را که از او

جواب شده بودند مذکور داشته بود که او پاپیس چشم سیاه شد و بعد دیدم دو نفر شخص سیاه رنگ بصورت عجیب و بیست عجیب دست بکلوی من گذاشتند و نزدیک بسلاکت شدم که شخص بزرگوار می ظاہر گردید و بان و نفر خطاب فرمود که کریمید ایند منم امام رضا ضامن غریبان آن دو نفر بجهت استماع این سخن است این بر داشته بودند فظلم غایب گردیدند آن بزرگوار بن فرمودند بر خیز چون بخوا

کسی را ندیدم با بچه سرباز من بزرگوار یک روز بعد از سخت اذن مرضی بجهت زیارت حاصل کرده روانه ارض مقدس

دیگر نوشته بودند که علی نام بزرگی شبانه رفته و دکان بخاری را کشته بود و از آنجا اووات بخاری از آنه وقت و غیره برداشته و رفته دکان عطاری را کشته و اسباب زیاد از آنجا سر کرده بود صبح عطا منور بدو آنجا عارض گردید و بجهت در دو بر آمدند بعد از سه روز در دو راه یکی از قرا حومه بد آورده بودند که اسباب عطاری مسراه داشت او را گرفته بزرگوار مقرب اشکان محمد یوسفیان سرباز آنجا بزرگوار آورده است بعد از استرو او اموال مسروقه او را قبضه کامل نموده اخراج بلد کرده است

کرمانشاهان

از امورات عجیبه چیزی که در روزنامه کرمانشاه نوشته
 خیفه در قریحه صفا بوده درین روزها وضع حمل نمود ^{طفلی}
 سه او در سینه بوده و کردن شسته و گوشه ای او هر یک
 بقدر بزرگی کف دستی و در شاخ داشته است و بقدریم
 که از شاخهای او بسیار سفید بوده است و هر دو پایش هم
 چسبیده و از صبح تا شبم زنده بوده است بعد فوت کرده

چون که و کبیر سرخ در سنوآه سابقه محل اشرف و قطاع الطریق
 بوده و اذیت و آزار بقوافل میرسید است نواب شاهزاده
 و الا تبار عمادالدوله امامتلی میرزا حکمران کرمانشاهان قدس ^{کرده}
 که سی نفر سواره نامحلی بقط و حرست سر راه آن که و کت ^{شده}
 و نگذارند احدی از اشرف و قطاع الطریق دست اندازی بقوافل
 عابرین نمایند و از سواره مزبوره الترام حب احکام نواب ^{کرده}
 گرفته اند که اگر بقوافل و مترودین و بناری خسارت و ضرر برسد
 بالمصاعف از عهده برانید و بکرمسوخ بنا ^{روشد}

و بکرنوشته بودند که عمارت دیوانی و باغ نواب محمد علی میرزا
 که در عهد حکام سلف خرابی بهم رسانده بود درین اوقات نواب
 شاهزاده عمادالدوله بقدر یکصد نفر بتا و عمل بانجام انداخته
 و بتا و عمل و بنجار و حجار و غیره همه روز مشغول کارند و عمارت
 و باغ مزبور خوب دایره همور کرده اند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که امسال از آنکه مالک محسوس ^{جای}
 که عزیمت طواف بیت الله محرم کرده بودند از سمت کرمانشاهان
 که از راه جبل عازم مقصد شوند و در مرایا از منازل متعدده ^{بجای}
 دولت علیه نواب عمادالدوله آورده رسانده اند که آثار ^{فقط}

نموده با کمال اعزاز و احترام از آن منازل بگذرانند و از خود
 کرمانشاهان نوشته بودند که یاوه از پنجاه نفر عزیمت طواف
 بیت الله محرم نمودند و بلا حظه ایست و انتظام ولایت از جهت
 عیال و خانه و املاک خود اطمینان و فراغت بهم رسانده بنجا ^{جای}
 عازم زیارت شده اند

و بکرنوشته اند که در چچال در نزدیکی مرزنه نا و آباد یکی از ^{جایها}
 آذربایجان بیابان دیکه در فته بود که مرغ سحر و کبیر پولی که ^{بجای}
 محتاج عرض راه همراه داشته است و وجهت بی در ^{بجای}
 بوده بعد از گرفتن مرغ در اموش کرده بجا گذاشته بود بعد از ^{بجای}
 منزل تلفت شده بود که پوشش بجا مانده با نهایت اضطراب
 پیش حاجی نوز و علی میر حاج آمده که در اشرف را مذکور ^{بجای}
 مشارالیه باتفاق صاحب شواء بچوالی دیکه در نوز رفته و

بابل آنجا اعلام کرده بودند که کبیر پول در آنجا مانده و اگر ^{بجای}
 نشود بعضی نواب عمادالدوله میسریم انالی آنجا ساعی ^{بجای}
 خواسته و بعد از آن شخص کبیر پول را پیدا کرده آورده ^{بجای}
 بودند و صاحبش شمرده بود و چشم بدون کم و زیاد بود معلوم
 شده بود که در همانوقت که آن شخص کبیر پولش را فراموش کرده
 و رفته بود و خبری بسن ده و وارده سال او را یافته و بنجا
 برده بود و پدر و مادر او جرئت نترفت و رسیدگی در آن
 مکرده بودند و این حمله از احشام و سکنه آنجا بسیار ^{بجای}

فوج کلهر و زنگنه را خبر نموده بودند که در بیستم سوال وارو
 دارالوله شونا و عالیجا پشن صاحب درشن آنها رسیدگی
 کامل نماید و یک دو ماه مشغول مشق باشند چون این دو فوج
 هنوز مشغول کامل نشده بودند مقرر شده که مشق نمایند تا کامل گردند

اختیار و ول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید
 شبان بود از جمله خبری که نوشته بودند این بود که پادشاه
 انگلیس با اقوام خود شش مہمانی ایلیچ فرانسه در لندن رفته بود
 و درین مہمانی ایلیچ فرانسه کمال شکوفات و اساسی
 فرانسه او شده بود و مردم قسطنطنیه پادشاه را بضمیمت
 ایلیچ فرانسه علامت کمال دوستی و موافقت و دوستی

یکی از خبرهای قدیم انگلیس که نام او میریس انگلیسی بود درین روز
 فوت شده است و چونکه از سرگردان قدیم انولایت بود و
 جنگهای بسیار دیده بود و یکپای او را در جنگ کولکوت
 برده بود مردم باو حرمت یاد میکردند

فرانسه

در روزنامه این ولایت نوشته اند که کمان و آینه
 درین ماستان پادشاه انگلیس مہمانی امپراطور فرانسه
 بیارسیس بیاید اما چونکه منکام بهار تا نصف ماستان
 وقت اجلاس مشورتخانه انگلیس است اگر پادشاه این
 بیارسیس بود بعد از مرخص کردن مہمانهای خویش و
 وکلای رعایا خواهد بود

دولت فرانسه بنا دارد و بجهت شوق فرانسه به برار
 در حال که مردم خریداری نماید و سبب خریدن است
 در این است که اگر اسب از ولایت فرانسه حمل و نقل
 بر نایب رعایا نماید و در تمام زمانه دارد به مردم
 و در این است که اسب بجهت شوق فرانسه خود
 خریداری نماید

روزنامه آخر که ازین مملکت رسید تاریخ او بیت و یکم
 بود نوشته بودند که اکثر مردم از جمله جوانان و مردمان
 از شهر پاریس بیرون میرفتند و در دلت و لوکات
 اینجا که عمارت ماستانی برای خود است مسکن
 و میگفتند که امپراطور فرانسه بنا دارد و یکی است
 برود و اراده دارد که یک مہمان در آن یکی مہمان

در روز مملود امپراطور فرانسه در پاریس مجلس
 باریت و اساس و سخن نام بر پا کرده بودند و در آن
 چهل و شش سال قیامت
 احوالات مقرر

در عرض امپراطور استریه شصت نفر از مقصرین دیوان
 که مجوس بودند امپراطور تقصیر آنها را عفو فرموده و ازین
 مرخص کرده است و بسیار براتیر که تازه مجوس کرده و در
 تقصیر آنها تخمین میکردند آنها را نیز بحد حکم ابره استریه
 بدون تخفیف مرخص کردند

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که بسیار شکایات
 در انولایت شده بود بطوریکه کل این اسپانیول بجهت
 باران بیرون آمده و بخیسایا میرفتند و لباسهایشان

در مملکت سوید ببالز فله وارد که انظار بجهت
 میگردند اما این گرگ را بجهت که بجهت
 یازده و در آن گرگ داخل انولایت
 در این است که اسب بجهت شوق فرانسه خود
 خریداری نماید

در مملکت کاناده بقدر سی و پنج هزار نفر غلام کهنه میباشند
 که از خاک دولت نیکی و بنای شمالی با آنجا کرخیته اند و از
 اینها اکثرشان در آن ولایت فعلی می کنند و کذا نشان
 خوب میشود و چونکه کاناده جزو ممالک انگلیس است و در آنجا
 انگلیس خرید و فروش غلام کهنه ممنوع است از ولایت
 خودشان که در آنجا از خرید غلام می کنند و مملکت کاناده
 می آید و بعضی شان در آنجا صاحب املاک شده اند
 کارشان خوب پیش میرود

در مملکت سر امیدور این اوقات معدن مس تازه پیدا
 کرده اند و کار می کنند و از قرار یک نوشته اند بسیار
 خوب صنعت می کنند

صیغه از طت موسوی که شوهرش با جبر بود و درین وقت
 در شهر راک مملکت مذکور فوت شده است دولت
 مست و ده هزار فرانک که تهنیت و شش هزار دو
 تومان پول ایران میدهد داده است که بیار خانه در آن ولایت
 برپا نمایند

در مملکت سوید تازه حکم شده است که در پول و وزن
 اندازه همه حساب ده و ده معین شود و این را بجهت روشن
 شدن و آسانی حساب کرده اند که مراتب یک نسو باشد

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در ماه شعبان
 بارندگی زیاد در آن اطراف شده بود و چونکه سمند
 بسیار جای حاصل آور است و غله زیاد در آنجا می کارند
 آمدن بار در آن روز موقت زیاد در آن اطراف بجهت

کرده بود از سایر ولایات آن اطراف تا رود نوب
 هم نوشته اند که بارندگی کامل کرده بود و صنعت بسیار
 آنجا رسیده بود

ایضا در طمان روزنامه نوشته اند که پاشای سلاویک
 با چند نفر هندسان که از اسلامبول آمده بودند در شهر
 سلاویک گردش کرده بودند که رودخانه که از آنجا میگذرد
 در آنجا تا بند چونکه آب رودخانه مر بورد در آنجا بن میشود و
 چمن و مرداب در آنجا بسیار است میخواستند بطوری میکنند
 که آب رودخانه مر بورد در یک نهر برود که چمنهای مر بورد را
 خشک نمایند و گفتگویی شده است میان دولت سوید و
 دولت انگلیس و فرانس و منصوص اینکه چون اکثر این آن
 مملکت مشغولیت زیاد در مشغولیت دارند قواری باشند که
 در هنگام جنگ ممانعت نسبت بابل آنجا شود و اگر نه
 اهل آنجا ضرر کلی خواهند کشید آنها نیز فرآر گذاشته اند که
 مانع مشغولیت و داد و ستد مردم مر بورد نشود

از فرار روزنامه وینیه که بتاریخ ۱۰ اشعبان نوشته اند
 از جانب امپراطور حکم شده است که نود و پنج هزار نفر
 قشون جدید بگیرند که در هر حال دولت مر بورد بی تدارک
 نباشد

از شهر لوز پوزال مملکت انگلیس در یک هفته متبستن
 شدند و پنجاه و چهار نفر از آنجا بیرون رفته اند که با کمک
 خارج بروند

بتاریخ ۱۰ ماه شعبان در روزنامه فرانس نوشته اند که
 حاصل غله در آن ولایت خوب بعلی آمده بود و امیدوارند که
 غله امسال در آنجا فراوان بیاید که رفع معطلی آنها بشود

۱۱۵۹

در بعضی مالک فرنگستان و در جزیره مدینه معلوم شده است
که آفتی که چند سال است در میان تاک انگور افتاده است
امسال نیز افتاده بود و اگر اینطور باشد امسال ضرر زیاد
وارد خواهد آمد

از جمله حاصل عمده بعضی بلوکات سمت شمال ولایت انگلیس
کلابیت که در آنجا فراوانست و از آنجا شراب میسازند
و میفروشند امسال بسبب سرمای که در فصل شکوفایی
روده است در حتمای کلابی را بالمره سرسازده ضایع کرده

در یکی از روزنامه های نیکی دنیا نوشته اند که موافق قاعده
سرشماری که دارند در شهر کلید لندن سی سال پیش ازین پانصد نفر
خلق بودند و تا پانزده سال حجت آنجا بشش هزار و هفتاد و یک
نفر رسید و حال چهل و پنج هزار و نهصد و شصت و دو نفر
حقیقت در کلید لندن میباشند

در فرنگستان گذشته عباس شاه حکم آن مملکت مقرر شد که
توسیس کرده بود که مبادا در خود آن مملکت غلگه کم یاب شود
قدغن کرده بود که از آن ولایت غلگه بخارج نبرند و در این اوقات
این قدغن را برداشته است و بجهت اعلان خلق این مطلب را
در کل روزنامه های فرنگستان چاپ کرده اند

از جمله درختهای غریب که در میان عمارت بلور در لندن
کاشته اند و در بیرون در مملکت انگلیس یعنی نی آید و ختم
و بیت و چهار تخیل حرا از مصر آورده در آنجا نشاندند و آن
آورده اند

سیرم چرخ آتشی که بجهت دستاوردن خبر از شهرها شهر فرنگستان
در اغلب شهرها متداولست درین روزها در فرنگستان

اگره تا کلکته که دو بیت فرنیسافت کشیده در آن
تمام کرده اند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در جزیره سیتلین در راه
منج بیرون آمده بود و توشش داشتند که امسال نیز ضرر
بجای آن ولایت برسد

درین روزها در مملکت فرانس شخصی که در علم زبان مهارت
داشت و عالم غیب لهند و نام او موسیو کار و مترجم اول
امپراطور فرانسه بود فوت شده است و از فراری که نوشته اند
که با در روی زمین کمر کسی مانند او پیدا بشود که عالم اینقدر
حال بجای او موسیو در کارش را منصب مترجمی اول امپراطور
فرانسه داده اند

دیگر از شهرها خبر نوشته اند که بسبب تساقوت وزی و جحالی در آنجا
بسیار کم شده بود و سبب این بود که اکثر وزدان آن ولایت
اهل یونان بودند حال که آنها رفته اند شهر رام است اما چند
روز پیش از آن قدری سنگ جواهرات معادل چهل هزار فرو
که تخمیناً شصت هزار تومان پول ایران باشد از یکی از تجار
آنجا در دیده بودند

دیگر نوشته اند که طوفان زیاد در آن نزدیکها شده و
باد شدید و وزیده بود یک کشتی بان در دریای کشته شد بود
و یک موزن نیز که بالای مناره بجهت اذان گفتن رفته بود
اورا بر توده خرد کرده بود

در روزنامه فرانسه نوشته اند که چونکه قاعده ولایت
این است که بجهت حمل نقل کاغذهای جاری اجرت بخرند از دولت
حکم شده است که چنانچه در ولایت اجرت نمی گرفتند در خارج
ولایت نیز اجرت بخرند چنانچه ای انگلیس کاغذهای جاری

انگلیس فرانس را بی اجرت بردارند و چایا فرانس نیز گاه
سرمازان پر دولت را بی اجرت ببرد

در عوض اینکه بیکی دنیای شمالی و سایر ولایات پرند
پر لایتنگاناوه میروند

در اقصای شرقی که چند وقت پیش ازین در مملکت اسپانیول شده
بکفوح از سرمازان که فوج کار دوه میگرداند از پادشاه برشته
و شریک عمل باغیان شده بودند بعد که جنگ آید نه بخاک فرستند
که خستند امپراطور فرانس از پادشاه اسپانیول خواست
کرده بود که از تقصیر آنها بگذرد پادشاه اسپانیول نیز
توسط امپراطور فرانس قبول کرده و تقصیر آنها را عفو
نموده بود و بناست که این روزها ولایت خود را بکتابت

در یکی دنیای شمالی ششصد و نود و چهار کتابخانه دارند که مال غنا
و درین کتابخانهها حساب کرده اند چهار کرو و دو و سیست و یک هزار
ششصد و بیست و سه جلد کتاب است و کتابهایی که تازه در
مملکت بیکی دنیا می نویسند تخمینا سالی چهارصد و پنجاه جلد می شود
از قرار روزنامه انگلیس نوشته اند که پادشاه پورتوگال بنا دارد
در اول تابستان بمملکت انگلیس بیاید بدین پادشاه انجمن
پرنس البریٹ که بره و غریب با دستند و بعد از آنکه چند روز
در لندن توقف نماید بر سر و سرزمین برود بدین پادشاه بر
و از انجا بنا دارد و پاریس پای تخت فرانس و وین پای تخت
سفر نماید و در آخر تابستان از انجا با ولایت خود مراجعت

حساب کرده اند که در مملکت انگلیس سی هزار و پانصد و بیست و دو

پرنس البریٹ که بره و غریب با دستند و بعد از آنکه چند روز

در سه سجه اطفاست که اخراجاشان از خودشان است
و مقصد و بیت و یک هزار و سیصد و نود و شش نفر در انجا

در انجا بنا دارد و پاریس پای تخت فرانس و وین پای تخت

در سن میخوانند حساب در سهای بزرگ که وقف اند

سفر نماید و در آخر تابستان از انجا با ولایت خود مراجعت

و اخراجات دارند پانزده هزار و پانصد و سجه مدرسه
میدانند در میان آنها دو کرو و چهارصد و بیست و دو نفر

جماعتی از تجار و غیره که کشتیها مانند چایا رخانه از ولایت این

هفت و ششاد و دو نفر اطفال در سن میخوانند

هند غربی بر راه می انداختند حال این کشتیها را بدین اچاره

شخصی در یکی از شهرهای بیکی دنیای شمالی توله بپا
سجته خاموش کردن شش اختراع کرده است بطور غیر عادی

داده از سجه حمل و نقل قشون و ماهی پنجاه و سه هزار تومان

که در عوض اینکه با دست کار بکنند با چرخ تجار کاری کرده در
هفت دقیقه او را راه می اندازند

از دیوان اجرت میگیرند

در یکی از بلوکات مملکت انگلیس نوشته اند که حالاً هیچ فقیر
آن بلوک نمانده است مگر آنها که کور و کور و اطفال کوچک که

در روزنامه نوشته اند که دولت پورتوگال میخواهد از تجار و
فرنگستان شت کرده و قرض نماید از قرار تومانی در هر ماهی کشتیهای

اطفال مسیم اند

منفعت و این پول را بجهت ساختن راهها و سایر اعمالی که خیر
در آن است میخواهند و دولت پورتوگال نیز شازده میخورد

باز مردم از مملکت ایرلند زیاد بخارج میفرستند اما حال اکثر

قرض میکنند

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتی و تجاری و غیره سوال و جواب مطابقت سال ۱۳۷۰

نزد صد و شصت و یک

قیمت روزنامه

یک نسخه شش بریکال

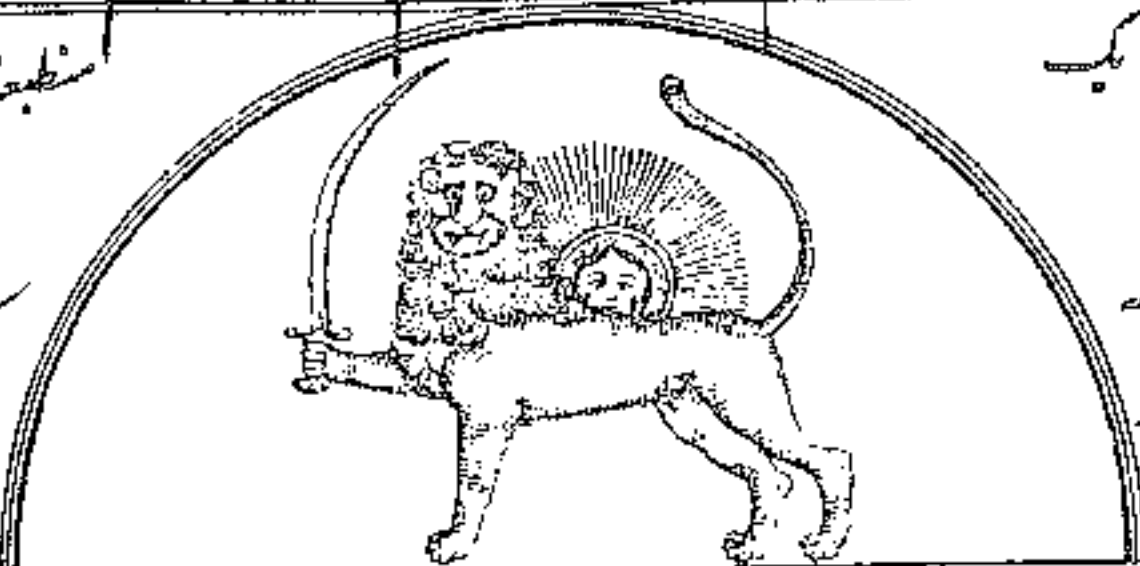
و قاری چهار روزی

منطقه داران خلافت طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الا چهار سطر یکروزه

سه سطر با هر سطر



اخبار و احکامات محروم پادشاهی

داران خلافت طهران

در هفته گذشته جناب جلالت آب صدر عظیم از دربار

تا یونان اذن مرضی حاصل کردند که بقریه آنجا که در

این اوقات کمال بیلافتی را دارد و متعلق جناب

عظیم الیه است بروند و چند روزی در آنجا

تغییر آب هوا توقف نمایند حسب اشارت

در روز پنجشنبه گذشته با آنجا رفتند و دو سه شب

توقف نموده در روز دوشنبه بپشت و دویم از آنجا

بدر بار تا یونان میعادت نمودند

چون مدتی است که امر محافظت و اول خانهای داران خلافت

مفوض با فواج قزوین ابوالجهمی عالیجاه عمده انجمن اعظام

مقرب انجمنان عباسقلینان بود و در مدت فراولی

سایت استقام در انتظام امر قراونخانها و شهر داران خلافت

از مقرب انجمنان مشارالیه و فواج ابوالجهمی او بطور

به نهایت انجامیده از دربار معدلت بدر مرضی خانها

محض ظهور کمال عاضفت طوکانه در باره مقرب انجمنان

عباسقلینان سر قیاب فواج طارقه قزوین و پشاور و سواد

پشاور و کلبه کلچر ترمه اعلی از طبوس خاصه بدن ک

اعلی حضرت شایسته ای برسم خلعت مرحمت شد که

زیب بود و شایسته اعتبار خود ساخته بیشتر از غیر

خدمات محوله اقدام نماید و سپهبدین کلبه قشال کتیمی

اعلی برسم خلعت و در جنتی انجمن اعظام

سر تک فوج قدیم قزوین مرحمت و عنایت گردید

جناب حاجی سید اسد الله پسر مرحوم حاجی سید محمدبا

اعلی المد مقامه که بزیاارت بیت المد حکرام رفته بودند

درین اوقات که بعضی عالیات معاودت نموده

اصنافی دولت علیه لوازم توفیر و حرم جناب الیه

۱۱۶۲